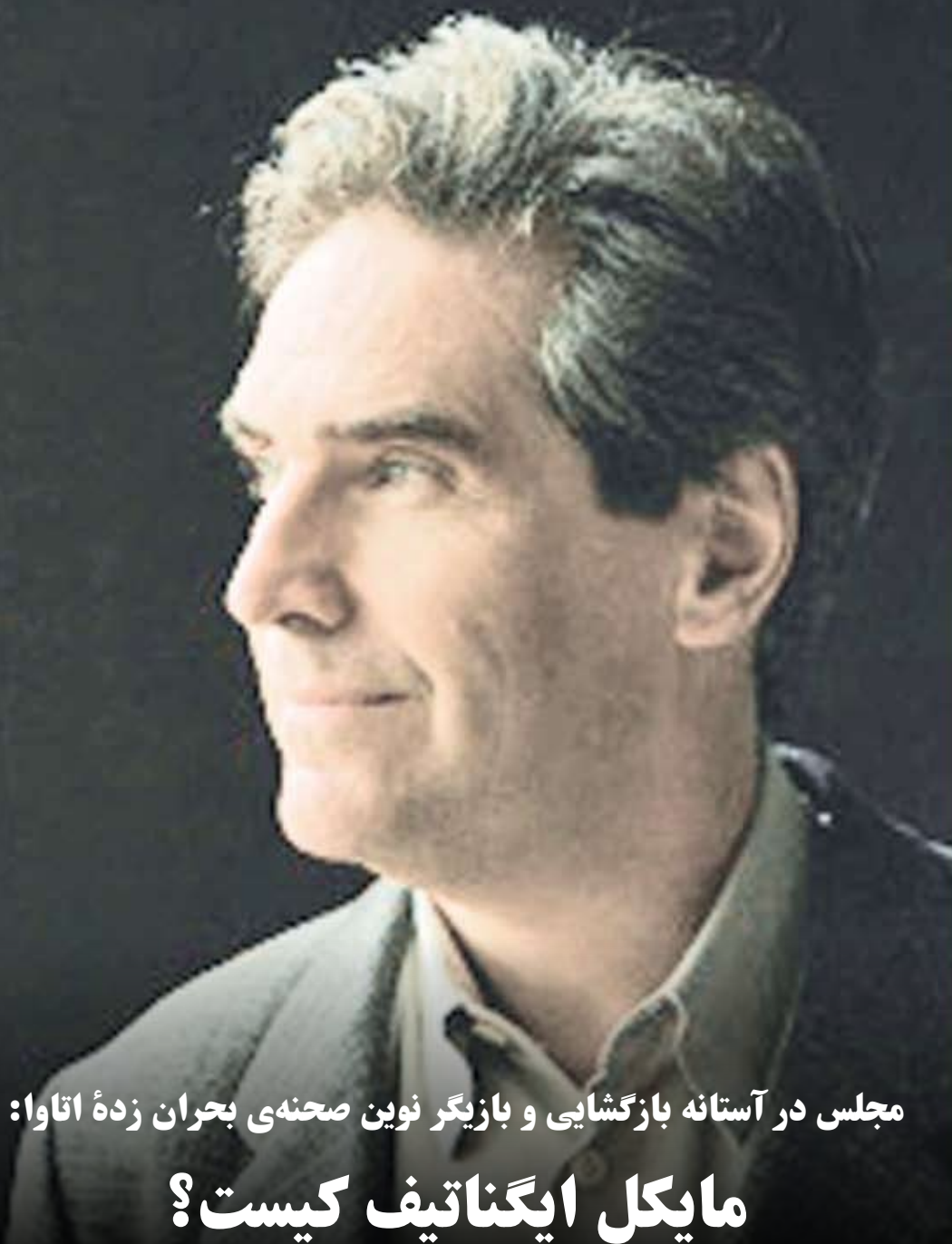


هفته

سال اول - شماره ۳۳ - شنبه ۵ بهمن ۱۳۸۷ - ۲۴ ژانویه ۲۰۰۹



مجلس در آستانه بازگشایی و بازیگر نوین صحنه‌ی بحران زده‌ی اتاوا:

مایکل ایگناتیف کیست؟

◀ صفحه جدید

سرگرمی در
"هفته" -

رسانه

◀ چایخانه‌ی ایرانی -

جامعه

◀ نود بد است، ما

خوبیم! - ورزش

با مدیریت ایرانی

AUTO HIGHLANDER



◀ \$14,200

**Mazda
RX-8 2004**

Kilometer: 84,150 Km
Traction: Traction avant
Color: Argent
Color Inside: Noir
Doors: 2
Transmission: Manual

\$5,800

**Totoya
Corolla 2000**
Financing available



Version: VE/CE/LE
Kilometer: 142,550 Km
Traction: Traction Avant
Color: Beige
Doors: 4
Transmission: Automatic

\$9,200

**Suzuki
Swift 2007**
Financing available



Version: 40,000 Km
Kilometer: Traction Avant
Traction: Orange
Color: 4
Doors: Automatic
Transmission:

\$3,900

**Hyundai
Sonata 2001**
Financing available



Version: EF
Kilometer: 139,000 Km
Traction: Traction Avant
Color: Blanc
Doors: 4
Transmission: Automatic

- All cars with safety inspection
- All cars are detailed (shampooing & wax)
- All cars carry 6 months powertrain Warranty (PAP)

\$12,700

**Toyota
Corolla 2007**
Financing available



Version: CE
Kilometer: 52,000 Km
Traction: Traction avant
Color: Noir
Doors: 4
Transmission: Automatic

ALL KINDS OF CARS FOR ALL KINDS OF BUDGETS



AUTO HIGHLANDER

Check Our Large Inventory at:

www.autohighlander.com

Tel : 450.465.0886 MTL 514.990.2500

Fax : 450.465.9512

1080 Victoria, Lemoyne (LONGUEUIL) (Montérégie) J4R 1P7

ارسال ارز به ایران و سایر نقاط جهان

514-485-6000

با امکان صدور Money Order امریکایی و کانادایی

6520 St.Jaques
1405 de Maisonneuve O
5774 Sherbrooke W



دکتر شریف نائینی جراح دندان پزشک

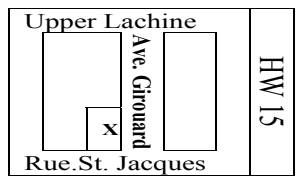
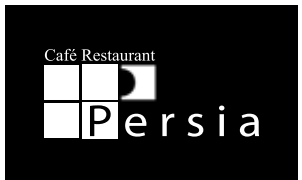
514-731-1443

DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳
DMD دانشگاه مونترال ۱۹۹۸

5450 Cote des neiges
Suite 308
Metro: CDN

در این شماره:

- صفحه ۴ بوش رفت. اوپاما آمد. آیا تغییر بزرگ در راه است؟ سردبیر
- صفحه ۵ اخبار کانادا و کبک
- صفحه ۹ اخبار مونترال ایرانی
- صفحه ۱۲ رویای یک مرد مضحک از داستایوفسکی - ترجمه و تنظیم، احسان دانشیار
- صفحه ۱۴ منحنی هستی طولانی است اما ... - به بهانه معارفه باراک اوپاما - رضا نامداری
- صفحه ۱۴ فردا - شعر از رضا متبسم
- صفحه ۱۵ مجلس در آستانه بازگشایی - بازیگر جدید در صحنه بحران زده اتاوا: مایکل ایگناتیف کیست؟ علی شریفیان
- صفحه ۱۸ پرده ای از انقلاب فرانسه - دکتر شهرداد حیدری - بخش دوم - سلماز شاکری فرد
- صفحه ۲۰ صفحه ادبی: مورد عجیب بنجامین باتن - محمد جباری حق
- صفحه ۲۰ نیمای مونترالی و یک شعر - مهدی کشتکار
- صفحه ۲۱ چگونه مغز خود را مدیریت کنیم؟ - بخش هشتم - فرحناز حیدریور
- صفحه ۲۲ ناخنک - دکتر محمدرضا ملک
- صفحه ۲۲ چایخانه ایرانی - احسان دانشیار
- صفحه ۲۴ یک بار دیگر درباره ی لینوکس - مصطفی مدیر روستا
- صفحه ۲۵ تعلیق ۹۰، مقاله ی سازمان تربیت بدنی با مردم؟ - پیمان سلیمی
- صفحه ۲۶ هیچکاک کارگردان جاودانه ی سینما - مراد صادقی
- صفحه ۲۷ صفحه سرگرمی - مهتاب قنبری
- صفحه ۲۹ شناسنامه و فهرست انگلیسی و فرانسه



جدید: از این پس شیرینی های مرغوب خانگی را با قیمت مناسب در پرشیا تهیه کنید.

انواع غذاهای ایرانی با طعم و کیفیت عالی،
انواع شیرینی تازه و خشک و آجیل مرغوب
موجود است.

936 Girouard (corner of St.Jacques)
Montreal, H4A 3C1 Tel: (514)-489-8484

پرشیا

کافه رستوران و Take Out

سفارشات غذا و شیرینی برای مهالاس پذیرفته می شود

ساعت های کار:
دوشنبه تا جمعه: ۷.۳۰ صبح تا ۷.۰۰ شب
شنبه: ۸.۳۰ صبح تا ۴.۰۰ بعد از ظهر
یکشنبه: تعطیل
پرشیا همان تیم کیتینگ دنیا در مکان جدید است.

چکاوک هفته
سال یکم - شماره ۳۳
شنبه ۵ بهمن ۱۳۸۷
۲۴ ژانویه ۲۰۰۹

گریزی به آتش زندگی

آمد و شد سیاستمداران، نابخردی ها و گاه نیز عمل های کمتر نابخردانه شان دنیای اطراف ما را چنان به خود مشغول کرده است که اگر دقت نکنیم از زندگی غافل می شویم. اگر آتش نشان زندگی باشد و اگر زنده نگاه داشتن آتش درون مان شرط ادامه زنده بودن ما باشد پس جشن سده که بنا بر اسطوره جشن پیدایش آتش است چیزی جز جشن زندگی نیست. ببینیم فردوسی بزرگ این اسطوره را چگونه نقل می کند

گذر کرد با چند کس همگروه
سپه رنگ و تیره تن و تیزتاز
ز دود دهانش جهان تیره گون
گرفتش یکی سنگ و شد تیزچنگ
جهانسوز مار از جهانبجوی جست
همان و همین سنگ بشکست گرد
دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
ازین طبع سنگ آتش آمد فراز
نیایش همی کرد و خواند آفرین
همین آتش آنگاه قبله نهاد
پرستید باید اگر بخردی
همان شاه در گرد او با گروه
سده نام آن جشن فرخنده کرد
بسی باد چون او دگر شهریار
جهانی به نیکی ازو یاد کرد

یکی روز شاه جهان سوی کوه
پدید آمد از دور چیزی دراز
دوچشم از بر سر چو دو چشمه خون
نگه کرد هوشنگ باهوش و سنگ
به زور کیانی رهانید دست
برآمد به سنگ گران سنگ خرد
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ
نشد مار کشته ولیکن ز راز
جهاندار پیش جهان آفرین
که او را فروغی چنین هدیه داد
بگفتا فروغیست این ایزدی
شب آمد برافروخت آتش چو کوه
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد
ز هوشنگ ماند این سده یادگار
کز آباد کردن جهان شاد کرد

ناشر: مجله هفته
ویراستاران: لیلی خاقانی و یوسف امیری
سرمدیر: خسرو شمیرانی
مدیر هنری و طراح جلد: به روز زمانی
صفحه آرایی: BehGraphics.com
عکاس: رضا بلادی

● با سپاس ویژه از همکاران این شماره:
فرحناز حیدرپور، سلمان شاکری فرد، احسان دانشیار،
محمد جباری حق، پاشا جوادی، پیمان سلیمی،
علی شریفیان، مهدی کشتکار، مراد صادقی،
رضا متبسم، مصطفی مدیرروستا،
محمد رضا ملک و رضا نامداری

● هفته از همه ی علاقه مندان دعوت به
همکاری می کند.
● برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.
هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب های رسیده آزاد
است.
● نوشته های فرستاده شده پس فرستاده نمی شوند.
● استفاده از طرح ها و آگهی های هفته نیاز
به کسب اجازه دارد.
● درباره ی مضمون آگهی های منتشر شده هیچ گونه
مسئولیتی متوجه هفته نیست.

6960 Sherbrooke W
suite 15
Montreal QC H4B 1R2
(514) 787-8848
journal.hafteh@gmail.com
www.hafteh.info

ISSN 1918-4379 HafteH



من در حزب لیبرال در انتظار آن هستیم که با اوباما گفت‌وگو و ارتباطی سازنده را آغاز کنیم و با تبادل نظرها و ایده‌های خود نه تنها خودمان «آمریکا و کانادا» را باری دهیم که این دوران سخت (اقتصادی) را پشت سر بگذاریم، بلکه بر چالش‌های دیگری هم غلبه کنیم که کشورهایمان و جهان با آن روبرو هستند.

شادمانی فرماندار کل به مناسبت رئیس جمهوری اوباما

خانم میکائیل ژان، فرماندار کل کانادا، هم روز سه‌شنبه به مناسبت برگزاری مراسم سوگند ریاست



شادباش هارپر و ایگناتیف به اوباما

به دنبال شروع کار باراک اوباما به عنوان رئیس جمهور تازه‌ی آمریکا، استفن هارپر، نخست وزیر کانادا، با انتشار بیانیهای به اوباما، مردم آمریکا و دوستان ایالات متحده شادباش گفت. هارپر در قسمتی از این بیانیه اظهار شادمانی کرده که اوباما در نخستین سفر خارجی خود به کانادا خواهد آمد. هارپر خاطرنشان کرده که آمریکا مهمترین و نزدیکترین متحد کانادا است و اعلام آمادگی کرده که با بزرگترین شریک تجاری کانادا با اوباما در راستای روابط عمیق‌تر و گسترده‌تری بین دو کشور همکاری‌های ثمربخشی داشته باشد.



مایکل ایگناتیف، رهبر حزب لیبرال، هم شروع کار اوباما را تبریک گفته و بیانیهای در همین پیوند منتشر کرده است. ایگناتیف در این بیانیه آورده است: «امروز روزی تاریخ‌ساز بود» و خاطرنشان کرده که همکاران

اوباما به زودی به کانادا سفر می‌کند



«لارنس کانون»، وزیر امور خارجه، روز سه‌شنبه در گفت‌وگویی از اتاوا با تلویزیون سی.بی.سی خبر داد که باراک اوباما، رئیس جمهوری ایالات متحده، «زودتر از آنچه که پیش بینی شده» به کانادا سفر خواهد کرد. کانون در این گفت‌وگو همچنین توضیح داد بر خلاف جرج بوش - که پس از «مراسم سوگند» خود در اولین سفر خارجی‌اش به مکزیک رفت - اوباما بر حسب این سنت - که از زمان به قدرت رسیدن جان اف. کندی مرسوم شده - در اولین سفر خارجی خود به کانادا خواهد آمد. باراک اوباما در مراسمی استثنایی روز سه‌شنبه در واشینگتن به عنوان نخستین سیاهپوست در تاریخ آمریکا، سوگند رییس جمهوری را یاد کرد و رسماً به این مقام رسید. هنوز تاریخ دقیق سفر اوباما به کانادا روشن نشده است.

جمهوری اوباما در «ریدو هال» اتاوا، محل اقامت

<p>CanPars Immigration Services</p> <p></p> <p>مهاجرت</p> <p>از طریق نیروی متخصص، خویشاوندی و سرمایه‌گذاری (فقط با ۱۲۰ هزار دلار)</p>	<p></p> <p>علی مختاری</p> <p>عضو رسمی CSIC (شماره پروانه ۰۸۴۷۷۴-M)</p> <p>عضو کانون وکلای دادگستری تهران (شماره پروانه ۷۳۴۱)</p>	<p>آیا در ایران مشکل حقوقی یا اداری دارید؟ ملک شما را تصاحب کرده‌اند؟ قربانی کلاهبرداری شده‌اید؟ از وضعیت خروج خود از مرزهای ایران بی‌اطلاعید؟</p> <p>.....</p> <p>هر گونه مشکل حقوقی یا اداری خود را در ایران با ما در میان بگذارید. تیم کنپارس در ایران با همکاری وکلای زبده به سرپرستی علی مختاری آماده حل مشکل شماست...</p>
<p>دفتر تهران: 8867-7108 & 09 8820-7717 & 18</p>	<p>دفتر مونترال: (514) 651-4726 1980 Sherbrooke w, Suite900. Montreal, H3h1E8</p>	<p>info@parscanada.com www.parscanada.com</p>

یک نفر دیگر قربانی «بهمن»های فصلی بی‌سی شد

روز جمعه‌ی گذشته یکی از هفت تنی که مشغول گشت و گذار با «اسنوموبیل»های خود در کوهستانهای موناشی (Monashee) واقع در ۲۵ کیلومتری جنوب ولمونت (Valemount) بی‌سی بودند در ریزش و غلتش بهمین عظیمی مدفون شد و جان خود را از دست داد. بنا به گفته‌ی سخنگوی پلیس آر.سی.ام.بی این واقعه ساعت ۱ بعدازظهر رخ داده است و هنوز جسد این قربانی تازه‌ی بهمین‌های فصلی بی‌سی به دست نیامده است. تاکنون ۱۴ نفر بر اثر مدفون شدن در بهمین‌های زمستانی بی‌سی جان خود را از دست داده‌اند.

فروش خانه در تورنتو ۵۰ درصد کاهش یافت

بنا بر گزارش تورنتو استار، به نقل از انجمن املاک تورنتو در نیمه‌ی اول ماه ژانویه ۸۸۸ خانه و واحد مسکونی در کلان‌شهر تورنتو به فروش رفته است. این شمار در مقایسه با همین دوره در سال گذشته که ۱۷۷۷ خانه و واحد مسکونی فروخته شده بوده نشان می‌دهد که فروش املاک مسکونی در تورنتو ۵۰ درصد کاهش یافته است. بر اساس همین گزارش، قیمت متوسط فروش املاک مسکونی هم به میزان ۹۰.۵ درصد نسبت به سال گذشته در همین ماه کاهش داشته و قیمت متوسط واحدهای مسکونی به ۳۳۳ هزار و ۴۹۵ دلار رسیده است. در نیمه‌ی اول ژانویه سال گذشته این رقم ۳۶۷ هزار و ۵۷۴ دلار بوده و از ارزش متوسط املاک از سال گذشته تاکنون ۳۵ هزار دلار کاسته شده است. دبیر کل «انجمن املاک تورنتو» گفته است که بحران اقتصادی وضعیت بی‌ثباتی ایجاد کرده و تورنتو هم از این بی‌ثباتی اقتصادی در امان نمانده است. وی خاطرنشان کرد باید در انتظار اوضاع بدتری در زمینه‌ی خرید و فروش املاک در کل کانادا و به ویژه در کلان‌شهر تورنتو باشیم.

آزمایش عملی پارک المپیک ویستلر

با برگزاری مسابقات جهانی اسکی و پرش با اسکی، پارک المپیک ویستلر عملاً مورد آزمایش قرار گرفت. روز جمعه‌ی گذشته، این مسابقه‌های جهانی با شرکت ۲۰۰ ورزشکار از کشورهای مختلف جهان در این پارک آغاز شد. این اولین آزمایش عملی پارک المپیک ویستلر

فلاهرتی، وزیر دارایی دولت فدرال، در چند هفته‌ی اخیر در سخنان خود درباره‌ی بودجه، از کسری بودجه‌ای بین ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار صحبت کرده‌اند. این کسری بودجه مورد بحث و گمانه‌زنی تحلیلگران سیاسی-اقتصادی، سیاستمداران و از جمله رهبران حزب‌های اپوزیسیون بوده است. در کنار دوسپ و ایگناتیف، جک لیتون رهبر ان.دی.پی با انتشار پیامی الکترونیکی و ارسال آن به گروه زیادی خاطر نشان کرده که هارپر تنها به قدرت‌طلبی و منافع حزبی و شخصی خود می‌اندیشد و اکنون زمان آن رسیده که کانادایی‌ها که از بی‌عملی هارپر در این شرایط دشوار اقتصادی به تنگ آمده‌اند دست به اقداماتی موثر بزنند. روز دوشنبه ان.دی.پی جلسه‌ی ویژه با شرکت کارشناسان اقتصادی کشور در اتاوا داشته است.

ونکوور برای کامل کردن دهکده‌ی المپیک وام می‌گیرد

روز یک‌شنبه‌ی گذشته مجلس بی‌سی در نشستی ویژه که ۲۰ ساعت به طول انجامید، لایحه‌ای را به تصویب رساند. این لایحه به شهرداری ونکوور اجازه می‌دهد که بودجه‌ی مورد نیاز خود را برای کامل کردن ساختمان دهکده‌ی المپیک قرض بگیرد. این کسری بودجه رقمی بین ۸۵۰ میلیون تا یک میلیارد دلار برآورد شده است. بر اساس قانون‌های موجود، در این گونه موارد شهردار و شورای شهر بدون اجازه و تأیید دولت استانی حق گرفتن وام مالی نداشته‌اند. دهکده‌ی المپیک ونکوور در Waterfront در دست ساختمان است و گوردون کمبل، نخست وزیر بی‌سی، گفته است با تصویب این لایحه بیش از دو هزار نفر که در کار ساختمان‌سازی دهکده‌ی المپیک مشغول به کار هستند، در این شرایط دشوار اقتصادی بر سر کارهای خود باقی خواهند ماند و دهکده‌ی المپیک هم برای انجام مسابقه‌های المپیک ۲۰۱۰ آماده خواهد شد. بازیه‌های المپیک از ۱۲ تا ۲۸ فوریه ۲۰۱۰ برگزار خواهد شد.



رسمی‌اش سخنرانی ایراد کرد. خانم ژان هائیتی‌تبار - که خود نخستین فرماندار کل سیاه‌پوست تاریخ کانادا است - به قدرت رسیدن اواما را واقعه‌ای مهم، امیدبخش و تاریخی خواند. خانم ژان در قسمتی از سخنرانی خود گفت: «از سوی کانادایی‌ها، ما بهترین آرزوها را برای موفقیت رئیس جمهور آمریکا داریم و بسیار مسرور هستیم که رئیس جمهور به زودی به کانادا سفر خواهد کرد و خوشحالم که در سفرش به کانادا از وی استقبال کرده و به او صمیمانه خوشامد می‌گوییم.»

دوسپ: قرارداد دولت ائتلافی به قوت خود باقی است



ژیل دوسپ روز سه‌شنبه در سخنرانی در مونترال خطاب به نمایندگان بلوک کبکوا، حزب تحت رهبری‌اش، در مجلس خاطر نشان کرد که دولت ائتلافی پیشنهادی با همکاری حزب لیبرال و ان.دی.پی هنوز به قدرت خود باقی است. دوسپ توضیح داد بلوک کبکوا جزو این دولت ائتلافی پیشنهادی نیست اما از آن پشتیبانی می‌کند و اضافه کرد که گمان نمی‌رود نخست وزیر در شیوه‌ی عملکردش تغییری به نفع کبک و در راستای حل بحران اقتصادی به وجود آورد و به پیشنهادها و خواسته‌هایی که ما داریم پاسخ درستی بدهد و تا به اینجا هیچ چیز تغییر نکرده است.

در حالی که برخی از ناظران سیاسی بر این باورند که ایگناتیف لحن نرمتری درباره‌ی بودجه‌ای که قرار است روز ۲۷ ژانویه از سوی دولت هارپر به مجلس ارائه شود، پیدا کرده اما دوسپ بر این باور است که ایگناتیف موضع نرمتری نسبت به بودجه هارپر و پذیرش احتمالی آن پیدا نکرده است.

روز دوشنبه‌ی این هفته، ایگناتیف و هارپر در اتاوا با هم ملاقات و مذاکراتی داشته‌اند. پس از این ملاقات ایگناتیف گفته است: «ما واقعیت‌ها (ی بودجه) را خواهیم دید و پس از آن اقدام خواهیم کرد.» هارپر و جیم

است و بنا به گفته کمیته‌ی برگزارکننده‌ی المپیک ونکوور (VANOC) آزمایش موفقیت‌آمیز بوده است. این مسابقه‌های جهانی که روز جمعه آغاز شد سه روز



به طول انجامید. این پارک که حدود ۱۲۰ میلیون دلار هزینه‌ی ساختن آن شده در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی ویستلر واقع شده است.

افزایش طرفداران حکومت ائتلافی به رهبری ایگناتیف

روز چهارشنبه بنا بر گزارشی که «گلوب اند میل» منتشر کرد یافته‌های یک نظرسنجی نشان داده که بر شمار کاناداییانی که پس از شروع کار رسمی اوباما به عنوان رئیس جمهور تازه‌ی آمریکا از حکومت ائتلافی

به رهبری مایکل ایگناتیف طرفداری می‌کنند، افزایش یافته است. بنگاه نظرسنجی EKOS برای گلوب اند میل نظرسنجی انجام داده و یافته‌های آن می‌گوید حزب لیبرال مقبولیت بیشتری پیدا کرده است و ۵۵ درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی مخالفت خود را با کارکرد و اقدامات هارپر اعلام کرده‌اند. ۳۵ درصد هارپر را تایید کرده‌اند. ۴۴ درصد گفته‌اند بهتر است ایگناتیف در مقام رهبری کانادا با اوباما به هنگام سفرش به کانادا ملاقات کند و تنها ۲۱ درصد مخالف این امر بوده و خواستار ملاقات هارپر با اوباما شده‌اند. در مجموع در خارج از کبک ۵۰ درصد از حکومت ائتلافی طرفداری کرده‌اند و ۴۳ درصد گفته‌اند از حکومت کنونی محافظه‌کار راضی هستند.

در کبک ۷۰ درصد مردم از حکومت ائتلافی پشتیبانی می‌کنند. یکی دیگر از یافته‌های این نظرسنجی می‌گوید در همه حال ۴۹ درصد کانادایی‌ها خواستار آن هستند که اگر دولت هارپر با رای عدم اعتماد سقوط کند خانم میکائیل ژان فرماندار کل کانادا اعلام انتخابات کند.

بزموزگیز» این فیلم را در تورنتو، در شهری که بزرگ شده، فیلمبرداری کرده است. ماجرای فیلم درباره‌ی دختر نوجوان کانادایی روسی‌تباری است و در سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ می‌گذرد. فیلم روایت کشمکش این نوجوان مهاجر است که به حد افراطی به بازی هاکی علاقه‌مند شده است. «روز ویکتوریا» یکی از ۱۲ فیلم کانادایی است که در این دوره جشنواره «ساندنس» (Sundance) به نمایش گذاشته می‌شود. این جشنواره ۲۵ ژانویه پایان می‌یابد.



نظرسنجی تورنتو استار: بخشودگی‌های مالیاتی هارپر

آیا شما طرفدار بخشودگی‌های مالیاتی برای طبقه‌ی متوسط در بودجه‌ی فدرال هستید؟

آری: ۲۵۹۳ رای = ۷۵٪
خیر: ۷۲۴ نفر = ۲۱٪
نمی‌دانم: ۱۲۰ نفر = ۳٪

گشایش جشنواره‌ی سینمایی «ساندنس» با یک فیلم کانادایی

جمعه‌ی گذشته این جشنواره‌ی معتبر سینمایی آمریکا و جهان با نمایش فیلم «روز ویکتوریا» (Victoria Day) گشایش یافت. این فیلم ساخته‌ی کارگردان کانادایی «دیوید بزموزگیز» (Bezmozgiz) است. داستان این فیلم درباره‌ی زندگی نوجوانی تورنتویی است. «بزموزگیز» مدت پنج سال در هالیوود کار کرده و می‌گوید پس از بازگشت به کانادا در سال ۱۹۹۶ فیلمنامه‌ی این فیلم را نوشته است. «دیوید

رنگ‌کاری پیاو و مبلمان چوبی
با رنگ‌کاری حرفه‌ای و درجه یک، به مبلمان چوبی و قدیمی خود زندگی دوباره بدهید.
ماندانا روشن
514-909-6264

SALON Tati
سالن آرایش تاتی
514-486-1655
6859 Sherbrooke W/ Rosedale

خانه زیبایی فریده
* متخصص لیزر و الکترولیز برای از بین بردن موهای زائد
* Facial و درمان پوست
* مشاوره رایگان
* Facial رایگان با خرید ۷۵ دلار از گرم‌های درمانی
Tel: (514) 626-8666 (514) 892-2030

رستوران شپراز
برای کیتینگ جشنها و مراسم
گوناگون در خدمت شما
با مدیریت خدیجه سیاح
5625 Sherbrooke W
(514) 485-2929

اخبار موترال ایرانی

قدرت ما در به هم پیوستگی ماست



پروین زرساو - همیپود

لیسانس از آکادمی همیپودی انگلستان
بدون هیچگونه عوارض جانبی از
سرماخوردگی تا آسم و افسردگی را درمان کنید.

(514) 931-8274

علی پاکنژاد

مشاور بیمه و سرمایه گذاری
Dynamic Wealth Management
RRSP - Mutual Fund - Life Insurance



(514) 296 - 9071



بهروز آقا بابا خانی

وام مسکن با شرایط مناسب



Home Loans Canada

طراحی وب سایت و راه اندازی شبکه Dream media

خدمات کامپیوتری - هومن اخوان
(514) 862-6642



www.ddreammedia.com info@ddreammedia.com



Maison de Voyages - House of Travel

آژانس مسافرتی / فرناز معتمدی

(514) 842-8000 Ext. 296

Titulaire d'un permis du Québec farnaz@hot.ca www.hot.ca

1170 Place du Frère André (Square Phillips), Montreal, Quebec, H3B 3C6

هتل رستوران مکزیکی با مدیریت ایرانی

آخر هفته موسیقی زنده مکزیکی

گروه Mariachi

Casademateo.com

Tel: (514) 286-9589

438 rue Saint-François-Xavier, Montreal H2Y 2T3



رادیو چکاوک و مجله هفته
جایی مناسب برای معرفی کسب و کار شما

بهای آگهی ها از ۱۵ دلار در هفته

Tel: (514) 787-8848



رضانژاد

مشاور املاک تجاری و مسکونی

Office: 426-4545 Cell: 865-7146

2869 Boul. St. Charles - Kirkland





مرکزی دانشگاه کنگوردیا در مرکز شهر حدود صد نفر که قبلاً ثبت نام کرده بودند حاضر شدند. کمی پس از ۸ دو اتوبوس به سمت شهر کبک به حرکت درآمد.

در طول راه در اتوبوس، جو گرمی وجود داشت. برنامه های مختلفی از قبیل فیلم سینمایی و موسیقی اجرا گردید. یکی از بخش های جالب، معرفی هر یک از مسافران بود که غالباً با شوخی همراه می شد. تقریباً بعد از سه ساعت به شهر کبک رسیدیم و مستقیماً به هتل یخ رفتیم. قبل از آن یکی از راهنمایان تور در مورد شهر کبک و ساختمان هایی که در مسیر بود به بازدید کنندگان توضیح داد. هوای سرد و باد شدید امکان گردش پیاده در شهر را از بین برده بود. بعد به یک هتل معروف که ارزش گردشگری دارد، رفتیم. یک ساعت از وقت به بازدید، فیلم برداری و گرفتن عکس از این هتل گذشت. بعد برای نهار به یک بوفه که از پیش در برنامه قرار داده شده بود رفتیم. غذای بوفه خوب و رضایت بخش بود.

بررداری کنند. گرمای گروه های چهار - پنج نفره که مشغول بازدید و گفت و گو بودند مانع از آن می گردید که سرمای داخلی هتل که حدود بیست و پنج درجه زیر صفر بود احساس شود. بعد از حدود یک ساعت بازدید ساعت پنج بعد از ظهر به طرف مورنترال راه افتادیم. در بازگشت به علت آشنایی بیشتر مسافران با یکدیگر، یخ ها آب شده بود و جو شاد تر و گرمتر بود. در اتوبوسی که ما بودیم برنامه های جالبی اجرا شد. یکی از آنها برنامه آواز خوانی توسط مسافران بود این بخش نیز با تشویق، خنده و شوخی حضاران همراه شد و گرمی و شادی خاصی به دیگران هم منتقل می کرد. ساعت حدود هشت و نیم شب به مورنترال رسیدیم.

تور بازدید از کبک سیتی و هتل یخ برنامه بسیار جالبی بود و بیشتر از جهت آشنایی ایرانیان و گرمی و نزدیکی آنها مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از همراهان در پایان از برو بچه های "خانه ایران" درخواست کردند تا از این نوع برنامه ها بیشتر تدارک ببینند.

کافه لیت: بعد از انقلاب فرانسه بحثی در باره زبان فارسی

پنجشنبه آینده، ۲۹ ژانویه ۲۰۰۹ دکتر شاهین زنگنه پور، تحت عنوان "آینه های درون مغز: سهم ذهن در فعالیت ها و احساس ها." به گفتاری در باره فعالیت های مغز می پردازد.

در آخرین برنامه کافه لیت، در روز ۲۲ ژانویه، آقای یوسف امیری تحت عنوان "تیا به زبان پارسی علمی" سخنرانی کرد. برای آگاهی بیشتر در باره این برنامه می توانید به وبلاگ کافه لیت مراجعه کرده و یا با ای میل این مجموعه فرهنگی تماس بگیرید

معرفی کتاب در میک

میک در روز یکشنبه اول فوریه ۲۰۰۹ یک برنامه معرفی کتاب خواهد داشت. در این برنامه آقای Jean-Alphonse Paulo، هنرمند هائیتی تبار ساکن مورنترال، آخرین اثر خود، « Humanité et nature » را به زبان فرانسه معرفی می کند. این اثر شامل تصاویری از کارهای نقاشی و

سپاس از آقای سیروس یحیی آبادی و نشریه پیوند

کاریکاتورست گرمی دوهفته نامه پیوند، با لطف فراوان اثر خود، در آخرین شماره "پیوند" را به تبریک سه سالگی چکاوک اختصاص داده است. سیروس عزیز، همکار گرمی از نظر لطف شما ممنون هستیم. از طرف خودم که افتخار داشتم سوژه کاریکاتور شما باشم و از طرف همه چکاوکی ها از پیام تبریک تان سپاسگزار می کنم

خسرو شمیرانی

تور بازدید از شهر کبک سیتی و هتل یخ از زبان یکی از مسافران



■ صادق ستوده

خانه یران از ماه قبل برنامه ای برای بازدید از شهر کبک، و هتل یخ تدارک دیده بود. طبق برنامه، حدود ساعت هشت صبح یکشنبه ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ در ساختمان



سرانجام حدود ساعت سه بعد از ظهر به سمت هتل یخ رفتیم. هتل در سی کیلومتری شهر کبک قرار دارد. این هتل واقعا محلی جالب و دیدنی است. این ساختمان تماماً از یخ ساخته شده دیوارهای آن به گونه ای هنری دارای کنده کاری های گوناگون است. بخشی از این کنده کاری ها نام های مختلف بودند که حدس می زنم نام سازندگان هتل است.

از آنجا که راهنمای حرفه ای گردشگری حضور نداشت، خانم نیما مشعوف این کار را قبول کرد. و توضیحاتی در باره چگونگی ساخته شدن هتل یخ داد.

سالن اجتماعات، اتاق خواب های یک و دو نفره، سالن کلیسا و ... بخش های مختلف هتل یخ هستند

افراد حاضر هیجان زده بودند تا بتوانند از منظره های جالب عکس گرفته و از زاویه های مختلف، فیلم

مجسمه های ساخته شده توسط هنرمند است.

برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر آغاز شده و زمان آن ۲ ساعت خواهد بود.

چند تصویر از نمایشگاه عکس مهرداد اهری در مکیک

نمایشگاه آثار عکاس هنرمند ساکن مونترال در روز پانزده ژانویه ۲۰۰۹ در مکیک گشوده شد. این نمایشگاه، که آثار آن هنگام عبور از یزد و مناطق کویری اطراف آن ثبت شده است، تا ششم فوریه برای علاقه مندان گشوده خواهد بود. از مرکز فرهنگی کتاب ایران - مکیک برای در اختیار نهادن عکس های زیر سپاسگزاریم

Photos: courtesy of Mekić



کافه سینما

«زمستان است» اثر رفیع پیتز در خانه صبا

■ یوسف امیری

کافه سینما در برنامه آینده خود، «گزارش» اثر عباس کیارستمی را به نمایش می گذارد. مراد صادقی ارئه فیلم و مدیریت بحث پی آمد آن را به عهده خواهد داشت. برنامه به زبان انگلیسی برگزار می شود.

ورودی: ۵ دلار

زمان: یکشنبه ۲۵ ژانویه ۲۰۰۹ ساعت ۶ غروب

VA - Visual Arts Building 1395 René
Lévesque W. Room 323 in the 3rd floor



پنجشنبه ۱۶ ژانویه ۲۰۰۹ خانه ی فرهنگ صبا، میزبان نزدیک ۲۰ نفری بود که در سرمای گزنده و «بس ناجوانمردانه»ی آن شب مونترال در این مکان گرد آمده بودند تا به تماشای فیلم «زمستان است» ساخته ی رفیع پیتز بنشینند و درباره ی آن به بحث و گفتگو بپردازند. در ابتدا خانم نرگس شفاقی، مدیر این مرکز فرهنگی، به معرفی فیلم و کارگردان آن پرداخت. رفیع پیتز کارگردان ایرانی/بریتانیایی است که پدرش

خانه ایران بازار نوروزی برپا می کند

اطلاعیه زیر در این رابطه توسط
مدیریت خانه ایران منتشر شده است

قابل توجه عرضه کنندگان تولیدات نوروزی

با نمایشگاه وبازار نوروزی به پیش باز بهار برویم

به یقین همه ما نوروز را با خرید عید به یاد داریم ، کفشی ویا شاید لباسی نو که تا فرا رسیدن بهار حق پوشیدنشان را نداشتیم وتنها با در آغوش گرفتن آنها شادبودیم.

بوی اسپند وعود ومردی با قبای سرخ و دایره زنگی و قطاب و پشمک و با قلوها که هوش از سرمان میبرد. خانه ایران در نظر دارد که در تاریخ شنبه، ۱۴ مارس بازارنوروزی را تدارک ببیند. به همین منظور از همه افرادی که تمایل به عرضه وفروش تولیدات خود(شیرینی ، سبزه، کارت تبریک، کتاب صنایع دستی وکارهای هنری و غیره)و یاتمایل به همکاری در تهیه وتدارک این بازار را دارند دعوت به عمل می آورد.

در نظر داشته باشید که برنامه ریزی نهایی با توجه به تعداد شرکت کنندگان انجام خواهد شد. به همین منظور خواهشمندیم که تا تاریخ ۵ فوریه برای ثبت نام با دفتر خانه ایران تماس بگیرید .

تلفن : ۵۹۶۲ - ۵۴۴ (۵۱۴)

فکس : ۵۹۶۳ - ۵۴۴ (۵۱۴)

Email: khanehiran@gmail.com



بریتانیایی و مادرش ملک جهان خزاعی طراح و هنرمند سرشناس ایرانی است. (خانم خزاعی در ساخت این فیلم نیز همکاری کرده بود). فیلم بر اساس کتاب داستان «سفر» نوشته ی محمود دولت آبادی ساخته شده و به شاعر مشهور زنده یاد مهدی اخوان ثالث تقدیم شده بود. آواز فیلم (شعر «زمستان است») با صدای محمدرضا شجریان و آهنگ آن ساخته ی حسین

سازمان های فرهنگی و اجتماعی در مونتreal

انجمن دفاع از حقوق بشر ایران - مونتreal
Tel: (514) 299-1787
adahi2005@yahoo.com

انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک
www.ajppq.qc.ca

انجمن دوستداران زرتشت
با هدف بازشناساندن جشن های باستانی
Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونتreal
نشست ثابت اولین یکشنبه هر ماه ۱۰:۳۰ صبح
St. Hubert 8043

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند
مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲:۳۰
2900 Lake
Tel: (514) 626-5520

انجمن ادبی - محمد فاضل
سخنرانی های ادبی، اجتماعی و تاریخی
Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد
کنسرت های موسیقی اصیل و سخنرانی
Tel: (514) 944-8111

خانه ایران
1117 St. Catherine W #420
Tel: (514) 544-5962

خانه کتاب ایران - میک
گالری - کتاب فروشی - کتابخانه
4438 De la Roche
Tel: (514) 373-5777

خانه فرهنگ صبا
برنامه های فرهنگی - کتاب فروشی - کافه
5124 Sherbrooke W
Tel: (514) 481-1433

کتاب خانه نیما
5206 Decarie
Tel: (514) 485-3652

کافه لیست
هر پنجشنبه یک بحث ادبی، تاریخی و علمی
www.MontrealCafeLit.com
MontrealCafeLit@gmail.com

کانون فرهنگی چکاوک
رادیو و هفته نامه
6969 Sherbrooke W
Tel: (514) 787-8848

مدرسه ایرانی دهخدا
مدرسه فارسی - هر شنبه
4976 Notre Dame W
Tel: (514) 827-6364

کار می شود. مرحب نیز مانند شوهر اول خاتون تصمیم می گیرد برای بهبود وضع اقتصادی به خارج از کشور سفر کند. یکی از همین شبها که مرحب در چایخانه نشسته و با چایخانه دار مشغول صحبت و درد دل درباره ی سفر به خارج است شوهر اول خاتون را می بینیم که به چایخانه می آید. او اینک یک پایش را از دست داده و نیز فهمیده که در نبودش خاتون شوهر کرده است. در آن شب سرد شوهر اول خاتون بیرون می رود و بر نمی گردد. صبح وقتی مرحب از چایخانه بیرون می رود می بیند که شوهر اول خود را جلوی قطار انداخته و خودکشی کرده است.

پس از نمایش فیلم خانم شقایق تفاوت های فیلم و داستان را توضیح داد. از جمله گفت که داستان کتاب در دهه ی ۱۳۵۰ خورشیدی اتفاق می افتد و در کتاب می خوانیم که شوهر اول خاتون برای کار به کویت می رود و روی لنج کار می کند. روزی کوسه به لنج حمله می کند و پای شوهر خاتون به همین خاطر قطع می شود. اما در فیلم از کشور و کار و چگونگی معلول شدن مرد صحبتی نمی شود. دیگر آن که به خاطر محدودیت های وزارت ارشاد ایران، در فیلم چندان به عشق بین خاتون و مرحب پرداخته نمی شود. نکته ی دیگر این که مرحب و شوهر اول فرقی با هم ندارند. سرنوشت هر دو یکی است و وجود ریل راه آهن در داستان در واقع اشاره به سرنوشت محتوم و از پیش تعیین شده ی همه ی کسانی است که در این راه می روند. پس از خانم شقایق چند تن دیگر از حضاران نیز به بیان نظرها و دیدگاه های خود درباره ی فیلم و داستان آن پرداختند.

برنامه بعدی بنیاد سخن آزاد



این بنیاد فرهنگی مونتrealی، گروه کامکارها را به مونتreal دعوت کرده است. کنسرت کامکارها در روز ۲۰ فوریه ۲۰۰۹ در سالن بزرگ اسکار پیترسون در دانشگاه کنکوردیا - کمیوس لایولا برگزار می شود. ورودی این کنسرت ۴۰ دلار است. تیش دیجیتال مرکز فروش بلیت این برنامه است در عین حال می توان با تماس مستقیم با بنیاد سخن آزاد هم بلیت تهیه کرد.

علیزاده است. فیلم در سال ۱۳۸۴ خ (۲۰۰۵ م) در ایران ساخته شده است.

داستان فیلم چنین است: «خاتون» (میترا حجار) زنی است که در کارخانه ی تولید پوشاک کار می کند و با مادر و دختر کوچکش و نیز شوهرش در خانه ی نزدیک راه آهن زندگی می کنند. شوهر خاتون برای بهبود وضع اقتصادی خانواده تصمیم می گیرد به خارج از کشور سفر کند. همزمان، مرد جوانی به نام مرحب - که ادعا می کند استاد مکانیکی است - به دنبال کار به همان نزدیکی می آید. مرحب در چایخانه های که در آنجا است، می خوابد، در جریان فیلم با جوان دیگری به نام علیرضا آشنا می شود. علیرضا او را به گاراژی می برد که خود در آن کار می کند و برای او کاری دست و پا می کند. روزی مرحب در راه با خاتون برخورد می کند و دل از دست می دهد. دیگر دست و دلش به کار نمی رود. هر روز روبروی خانه ی خاتون می نشیند تا آمدن او را ببیند. روزی ماشین پلیس به خانه ی خاتون می آید و خبر مرگ شوهرش را به او می دهد. پس از انتظارها و تعقیب های فراوان بالاخره مرحب با خاتون همصحبت می شود و مرگ شوهرش را به او تسلیت می گوید. کم کم عشق بین آنان شعله می افروزد و روزی با هم به دفترخانه رفته و به طور رسمی با هم ازدواج می کنند. در این مدت مرحب چندان کار نمی کند و استادکار از او بسیار ناراضی است. این ناراضیتی استادکار منجر به اخراج مرحب از

Live in concert

کامکارها

The Kamkars

Kurdish & Persian Music
Musique Kurde et Persane

Vendredi, 20 Fevrier 2009, 20h00

Salle : Oscar Peterson Hall
Universite Concordia
7141 Sherbrooke east
Billet : \$40

Info: (514) 678-4030
Tapes digital: (514) 223-3336

U.S. & CANADA TOUR 2009
www.kamkars.net

پوشه، تارنمای خبری ایرانی مونتrealی را ببینید
www.poosheh.com

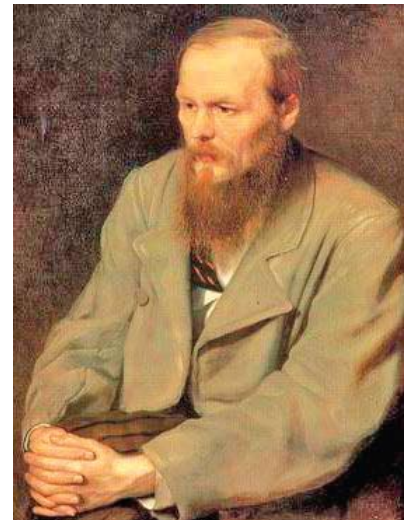
رویای یک مرد مضحک

نوشته فتودور داستایوفسکی

■ ترجمه و خلاصه: احسان دانشیار

در رویای یک مرد مضحک داستایوفسکی در قالب یک داستان کوتاه سوالات پایه ای در مورد روزمرگی انسان و اینکه انسانها تا به چه اندازه، انسان بودن خود را فراموش کرده اند مطرح می کند. وی در نهایت عشق و محبت به همونوع را به عنوان تنها راه حل گریز از روزمرگی و مشکلات انسان عصر ماشین، نشان می دهد. در عصری که انسانها برای گفتگو با یکدیگر دست به ماشه تفنگها برده اند، از عشق گفتن شاید واقعا مضحک به نظر آید اما در این داستان از عشق به همونوع به عنوان یک راه حل یاد می شود. این خلاصه نوشته داستایوفسکی شاید تلنگر کوچکی باشد برای کاروان نوع بشر که به ناکجا اباد می رود.

الف - د



رویای یک مرد مضحک

من یک مرد مضحک هستم. امروزه حتی من را دیوانه می خوانند. چیزی که می تواند برای فردی همچون من به نوعی ترقی حساب شود. حتی مواقعی که همه من را مسخره می کنند من واقعا ناراحت نمی شوم. بگذار که مرا مسخره کنند و من را دیوانه بخوانند. اصلا من دیوانه هستم اما این چیزی از عشق بی نهایت من به تک تک انسانها کم نمی کند. فقط رفتار آنها ناراحت می کند زیرا آنها نتوانسته اند که واقعیت و حقیقت را درک کنند. اما من حقیقت را دیده ام. با چشمان خودم واقعیت را دیده ام. امیدوارم که حداقل شما سخنانم را باور کنید. هزاران بار افسوس که آنها نمی توانند باور کنند.

من حقیقت را در سوم نوامبر گذشته در اپارتمانم دیدم. یک بعد از ظهر کاملا غم انگیز بود. آن روز تمام بعد از ظهر باران می بارید. از آن بارانهای سرد که به هیچ موجود زنده ای رحم نمی کند. خیابانی که به اپارتمانم منتهی می شد تاریک تر از همیشه بود. حتی آسمان شب هم در ظلمت فرو رفته بود. به خیابانم که وارد شدم ایستادم و به آسمان خیره شدم. در بین لکه های تاریک ابر و ظلمت بی نهایت آسمان که البته آنشب تاریکی اش از همه وقت بیشتر بود ستاره درخشانی را دیدم. آن ستاره دور دست به من الهام کرد که آنشب خودم را بکشم. تا به امشب دو ماه است که هر شب با این فکر بازی می کنم که با هفت تیری که خریده ام به خودم شلیک کنم. من فقط منتظر یک لحظه با معنی در زندگی ام

هستم. این ستاره عجیب امشب واقعا این فکر را در سرم انداخت که کار را تمام کنم. اما چرا این ستاره باید این فکر را در سرم بیندازد؟ خودم هم نمی دانم. این دختر بچه دیگر اینجا چه کار می کند. برو از اینجا. من برای تو و مادرت کاری نمی توانم بکنم. با عصبانیت به آپارتمانم در طبقه چهارم رفتم. پشت میزم نشستم. هفت تیر را مسلح کردم و به خودم گفتم کار درست این است. احساس درد عجیبی کردم. تمامی سرم به شدت درد گرفت. راستی چرا من به آن دخترک بیچاره کمک نکردم؟ من که یک انسان هستم خودم را در واقع به هیچ، به صفر، کاهش دادم. در حالیکه یک نفر به کمک من نیاز داشت. هیچ وقت به این قضیه فکر نکرده بودم که در دنیای من انسانهای دیگری هم هستند که با من مشترکات زیادی دارند. من واقعا به خودم شلیک کردم؟

عاقبت سر از تابوت در آوردم و در زمین دفنم کردند. همگی پس از دفن من رفتند و من تنها در قبرستان نشستم. نمی دانم برای چند ساعت چند وقت چند روز یا سال آنجا نشستم. یک روز که آنجا نشسته بودم ناگهان قبرم باز شد و با غریبه ای به فضا رفتیم به اعماق تاریکی ها. مدام از زمین دورتر و دورتر می شدیم. ناگهان از دوردست ستاره ای پیدا شد. غریبه گفت این ستاره ای است که هنگامی که در روی زمین بودی به آن نگاه کردی. با هم وارد ستاره شدیم. همه چیز چقدر شبیه به زمین بود. انگار که زمین دومی در فاصله بسیار دوری از زمین خودمان وجود داشته باشد. احساس کردم که چقدر

SHARIF EXCHANGE
موسسه مالی شریف
 تبدیل ارز - ارسال ارز به ایران و برعکس
 خریدار سکه، شمش و زیور آلات طلا
 259 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC
Tel: (514) 561-6408

سالن آرایش شهرزاد (1001Coupes)
 Unisex - Esthetics
 شربروک غربی تقاطع Mayfair
 ۶۹۰۱ - ۴۸۹ (۵۱۴)

تعمیرگاه اتو رایدرز
Auto Ryders Inc
 انواع تعمیرات اتومبیل
 رفع ایرادات الکترونیکی اتومبیل خود را به ما بسپارید

با مدیریت حمید راهور
 با بیست سال سابقه کار در کانادا
Tel: (514) 578-2211
Fax: (514) 637-3496
 420 1ère Avenue, Lachine, QC H8S 2S3

کره زمین را دوست می داشتم و حالا چقدر بیشتر دوست می دارم. عشق به زمین و سرزمین مادری ام در درونم موج می زد. در یک جزیره زیبا بودیم انگار جایی در نزدیکی یونان. همه چیز عالی و جذاب بود: درختان، طبیعت، گلها، حیوانات، پرندگان. ساکنان این زمین شاد به طرف من آمدند و دورم حلقه زدند و به من خوشامد گفتند و مرا بوسیدند. هرگز این همه انسانهای زیبا ندیده بودم. زیباییشان مرا به یاد زیبایی کودکانمان در سالهای اولیه کودکیشان می انداخت. بعد از مدتی متوجه شدم مردمان این سرزمین بی گناه و ساده هستند. آنها مرا به خانه های خودشان دعوت کردند و اسباب راحتی مرا فراهم کردند. آنها همگی بی نهایت با محبت هستند. معنی واقعی زندگی را مردمان این سرزمین به خوبی درک کرده اند. از میوه های درختان و شیر حیوانات استفاده می کنند. در بین آنان هیچ وقت دروغ، حسادت، غرور و تعصب را ندیدم. در حقیقت اصلا معنی این صفات را نمی

دانند. اینجا انگار خود بهشت است. به خودم گفتم اگر روزی به زمین برگردم به همه می گویم به جای این همه تنفر چرا عشق و محبت نگذاریم؟ راستی چرا نمی توانیم برای لحظه ای همدیگر را ببخشیم؟ در اینجا می خواهم واقعیتهای را بیان کنم. من همه آنها را عوض کردم. در حقیقت من آنها را فاسد کردم. نمی دانم دقیقا چطور این اتفاق افتاد. من فقط به آنها یاد دادم که چطور دروغ بگویند. بعد از آنکه دروغ به دلهايشان راه پیدا کرد آنها یاد گرفتند که عصبانی بشوند، ناراحت بشوند و در نهایت بی رحم بشوند. بعد از آن، خیلی زود، اولین خونها ریخته شد. آنها شیفته خون شدند و از یکدیگر فاصله گرفتند. به مرور دسته ها و ملتهای مختلف پدید آمد. هر دسته ای راه و رسم خودش را پیدا کرد. وقتی معنی طمع را فهمیدند شروع به غارت و جمع آوری اموال کردند. زبانهای مختلف به وجود آمد و در این بین بود که به یاد روزهای خوش گذشته افتادند و شروع

کردند در مورد ارزشهای انسانی، اخلاق و عدالت صحبت کنند. هر دسته برای پرستش عقاید خود شروع به ساختن معابد مختلف کرد. در بینشان مبلغان عقاید گوناگون ظهور کرد. آنان انقدر مغرور شدند که دیگر جای برای دوست داشتن یکدیگر نداشتند. در این میان بود که به میان آنان شتافتم و فریاد برآوردم، این من بودم که همه شما را عوض کردم. من به شما دروغ گفتن را یاد دادم. باعث تمامی این بدبختیها من هستم. اما آنان در نهایت به من خندیدند و مرا محکوم کردند که دوباره به درون بدنم در روی زمین برگردم. تقریبا صبح شده بود که از پشت میز در آپارتمانم بیدار شدم. در حالی که هفت تیر در دستم آماده شلیک بود. دوباره به زندگی برگشتم. من با چشمان خودم حقیقت را دیدم. رويا؟ ايا زندگی ما فقط یک رويا نیست؟ حتی اگر واقعیت هم باشد تنها چیزی که اهمیت پیدا می کند این است که

دیگران را دوست داشته باشیم همانطور که خودمان را. این تنها واقعیت ضروری برای یک زندگی است. عشق به همونوع واقعیتی است که شاید بارها تکرار شده باشد اما برای من کاملا تازهگی دارد. اگر چه یک آرمانشهر در آن سوی کهکشانها، در آن ستاره دور دست، به خاطر من از هم پاشید اما عشق و محبتی را که بین آن انسانها جاری دیدم، هرگز فراموش نخواهم کرد.

راستی باید به دنبال آن دخترک بگردم.
منبع:
Fyodor Dostoevsky, A gentle creature and other stories, THE DREAM OF A RIDICOLOUS MAN, Oxford University Press

استخدام

مجله هفت ————— به یک همکار برای مدیریت امور دفتری نیازمند است

شرایط استخدام:

وقت شناس

مسلط به زبان های فارسی، انگلیسی و فرانسوی

مسلط به یک نرم افزار حسابداری (آک پک)

مسلط به نرم افزار های Word و Excel

از علاقه مندان درخواست می شود، تقاضاهای خود را به آدرس زیر ایمیل

کرده و یا برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن زیر تماس بگیرند

8848 - 787 (514)

journal.hafteh@gmail.com

منحنی هستی طولانی است اما نهایتاً به سمت عدالت خم می شود

■ رضا نامداری

تیترا این مطلب جمله ای است از دکتر مارتین لوتر کینگ که سالها پیش از رویایی سخن گفته بود... رویایی که او، راهپیمایی صدها هزار نفره آن روز مردم واشنگتن را، تنها آغازی برای آن میدید. مسلماً امروز را نیز نمی توان و نباید پایان این رویا تصور نمود. میلیون ها نفر از سراسر جهان، امروز، سه شنبه ۲۱ ژانویه ۲۰۰۹، در واشنگتن گرد آمدند تا پایان هشت سال حکومت بوش و آغاز ریاست جمهوری باراک اوباما را خود از نزدیک شاهد باشند و سالها بعد آن را برای فرزندان و نوه های خود بازگو کنند.

این زنان و مردان شاهدان تاریخ سرزمینی خواهند بود که اکثریت ساکنان آن سفیدپوستان مسیحی هستند اما یک سیاه پوست، فرزند یک مسلمان کنیایی می تواند با تکیه بر توانایی های خود و خواست و اراده مردم آن سرزمین به ریاست جمهوری برسد. نکته مهم تر نه تشریفات و شکوه مراسم که حضور و همراهی هزاران داوطلبی بود که خود پیروزی را رقم زده بودند. اما هیچ کدام از آنها به خانه نرفته اند و منتظر نشستند اند که اوباما معجزه کند. آنها در شکوه و تدارکات مراسم نقش عمده ای داشتند. در این سه روز آخر اوباما هم به آنها پیوست تا همراه با یکدیگر بر شکوه مراسم بیافزایند.

هشت سال رنج و جنگ و خونریزی دوران بوش به اتمام رسیده و شاید امروز را بتوان نقطه عطفی در منحنی تاریخ دانست... به سوی عدالت...

* رضا نامداری در وبلاگ خود "روزنوشته ها" خود را چنین معرفی کرده است: رضا نامداری فارغ التحصیل مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت. فعلاً مقیم

مونترال... امیدوار چشم به راه آینده... اینجا قرار است روزنوشته هایی باشد از اتفاقات و توصیفی بر احوالات زندگی در گوشه ای از دنیا... تا شاید دغدغه های گذشته هر روز و با هر کلمه ای بار دیگر برآیم زنده شوند و هرگز از یاد نبرم که ایرانی هستم... تا ایرانی بمانم...



فردا...

■ رضا متبسم

فردا...

باید شتاب کرد
دیگر مجال صبرنمانده است.

فردا کجاست؟
باید شتاب کرد.

باید عبور کرد از روز های پرودت و بوران
از روز های وهم، عصیان

جنگ و شکنجه، آتش.
دود و سیاهی، زنجیر.

خون، اشک، رگبار، انفجار،
زخم، کینه، هراس، مرگ،
ترک، دوری و انتظار...
باید گذشت!...

فردا چگونه میرسد از راه؟
دیگر مجال صبر نمانده است...
باید شتاب کرد....

شاید در آستانه فردائیم؟

فردای التیام،
فردای زیستن،

فردای گرم و روشن با آسمان پاک و دشتهای

باز،
فردای آفتاب....

فردای کار و تکاپو،
فردای بازگشت به خانه با عطر نان و چشمهای
مادر....

فردای درخت و کودک، دریچه و لبخند، نگاه
و بوسه...

فردای آرزوی و رسیدن...
فردای جستجوی و یافتن...

فردای رویش و ساختن...
فردای گسترش عشق و دوستی...
فردای صلح، آزادی...

شاید در آستانه فردائیم؟...
باید شتاب کرد....

West Island
POINTE CLAIRE
DENTAL HEALTH CENTER

دکتر رامین میرموجی
دنداپزشک در کلینیک مجهز وست آیلند
از دوشنبه تا شنبه برای هموطنان

Tel: (514) 695-8841
6600 Trans Canada Hwy., Suite 806
Pointe Claire, QC H9R 4S2

www.WestIslandDental.com

www.BehGraphics.com

Home About us Services Products Portfolio Price List Contact us

5000 Flyers \$695.00
Both Sides Full Color
8.5" X 11" - 80 lb. Glossy
۵۰۰۰ عدد فلایر سیاه و سفید فقط ۳۹۵ دلار - دو رو چاپ

به مدت محدود

برای حل نیازهای طراحی و چاپ فقط یک کلیک

ارسال رایگان سفارشات به سراسر کانادا

info@behgraphics.com
604 - 671 - 9880



■ علی شریفیان

Sharifiancanada@yahoo.com

مجلس در آستانه بازگشایی و بازیگر نوین صحنه بحران زده اتاوا: مایکل ایگناتیف کیست؟

«مایکل گرانت ایگناتیف» (Michael Grant Ignatiev) روز ۱۲ ماه مه ۱۹۴۷ م. در تورنتو به دنیا آمد. ایگناتیف فرزند دیپلمات روس‌تبار، جرج ایگناتیف، است. پدر بزرگ ایگناتیف، مایکل پاول ایگناتیف، وزیر آموزش و پرورش تزار نیکولاس دوم بوده است. پاول ایگناتیف از معدود وزیران دوران پیش از انقلاب اکتبر روسیه بود که توانست از اعدام شدن به دست نیروهای انقلابی «بلشویک» بگریزد. پدر پدربزرگ ایگناتیف «نیکولای پاولویچ ایگناتیو» (Ignatyev) هم وزیر کشور دوران تزار الکساندر سوم بوده است.

ایگناتیف در کتاب «آلبوم روسی» (The Russian Album) خود درباره‌ی ریشه‌های خانوادگی‌اش و همین‌طور خاطراتش در این زمینه و اهمیت و جایگاه ویژه‌ی اجدادش به صورت زندگی‌نامه شرح‌های توضیحی مفصلی داده است.

مادر مایکل ایگناتیف آلیسون گرانت است. خانواده‌ی گرانت هم در زمینه‌ی آموزش عالی مقام‌های مهمی در دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزشی کانادا داشته‌اند. از جمله پدر پدربزرگ آلیسون گرانت در قرن نوزدهم از مدیران دانشگاه کوئین (Queen's University)، واقع در کترینگتون انتاریو، بود.

تحصیلات، کارنامه‌ی کاری و دانشگاهی ایگناتیف



این نویسنده، روزنامه‌نگار، تاریخ‌نگار، فعال حقوق بشر، و سیاستمدار، پیش از شروع مستقیم فعالیتش در سیاست از کارنامه‌ی مفصلی در زمینه‌ی تحصیلات، تدریس و نگارش برخوردار بوده است. پس از پایان تحصیلات متوسطه‌اش در رشته‌ی تاریخ در دانشگاه تورنتو و کالج ترینیتی (Trinity College) انتاریو درس خوانده است. در سال چهارم دانشگاه تورنتو با باب ری (Bob Rae)، سیاستمدار مشهور کانادا، آشنا و در همین سال با او هم‌اتاقی بوده است. بعد از پایان تحصیلاتش در تورنتو در دانشگاه

دسامبر گذشته، در پی رویارویی احزاب اپوزیسیون و دولت فدرال بر سر برخورد با بحران اقتصادی موجود، بحران سیاسی بزرگی اتاوا را فرا گرفت. این بحران با تمهیدات نسخت وزیر، آقای استفن هارپر، به طور گذرا «منجمد» شد. به طور همزمان، دعوای درون حزب لیبرال، منجر به برکناری پیش از موعد استفان دیون، رهبر این حزب، شد و مایکل ایگناتیف روز دهم دسامبر به طور رسمی به عنوان رهبر موقت این حزب برگزیده شد.

سه روز دیگر، دوشنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹، مجلس کانادا گشوده می‌شود و به احتمال نزدیک به یقین، برخورد با بحران سیاسی اتاوا در دستور کار سیاستمداران قرار می‌گیرد. از قول مایکل ایگناتیف گفته شده است که همه چیز حتی انتخابات دوباره نیز غیرممکن نیست. در دور جدید رودرویی، مایکل ایگناتیف بی‌تردید یکی از بازیگران اصلی صحنه خواهد بود. اما ایگناتیف کیست؟

آکسفورد انگلستان ادامه‌ی تحصیل داد و در نهایت درجه‌ی دکتری خود را در رشته‌ی تاریخ از دانشگاه هاروارد ایالت ماساچوست آمریکا در سال ۱۹۷۶ م. دریافت کرد. بین سال ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ به عنوان روزنامه‌نگار نیمه‌وقت برای «گلوب اند میل» مقاله‌های متعددی نوشت.

از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ به عنوان دانشیار به تدریس تاریخ در دانشگاه بریتیش کلمبیا (UBC) پرداخت. در سال ۱۹۷۸ به بریتانیا نقل مکان کرد. ایگناتیف تا سال ۲۰۰۰ در بریتانیا زندگی کرد. در آنجا به تدریس در دانشگاه و مدرسه‌های عالی گوناگون و از جمله دانشگاه آکسفورد و دانشگاه لندن مشغول بود. در این دوران، ایگناتیف به دعوت دانشگاه‌ها و مراکز علمی اروپا و آمریکای شمالی هم سخنرانی‌هایی ایراد کرده است.

در همین دوران وی به عنوان روزنامه‌نگار و فیلمساز مستندساز هم شهرت یافت و از جمله از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ یکی از سردبیران آبزورر (The Observer)، نشریه‌ی مشهور انگلستان، بود و برای این نشریه مقاله‌های پرسوصدایی به نگارش درآورد.

در سال ۲۰۰۰ به ریاست «مرکز کار برای سیاست‌های حقوق بشری» (Carr Center For Human Right Policy) در موسسه‌ی جان اف. کندی در دانشگاه هاروارد برگزیده شده و به آمریکا بازگشت.

در ماه سپتامبر ۲۰۰۵ ایگناتیف پس از ۲۷ سال که در خارج از کانادا به زندگی و کار مشغول بود برای تدریس «سیاست‌های حقوق بشر» در دانشگاه تورنتو به زادگاهش برگشت. مایکل ایگناتیف به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد و روسی هم می‌داند و تاکنون نه مدرک دکتری افتخاری گرفته است.

سیاستمداری با شهرت جهانی

مایکل ایگناتیف در دوران جوانی از طرفداران پییر ترودو (Pierre Trudeau)، نخست‌وزیر برجسته و فقید کانادا، بوده و در جریان چند انتخابات به عنوان عضو سازمان جوانان حزب لیبرال برای پیروزی ترودو فعالیت می‌کرده است. اما پس از سالها تحصیل و کار به عنوان روشنفکر، استاد دانشگاه، نویسنده و فیلمساز، برای نخستین بار در انتخابات ۲۰۰۶ فدرال از حوزه‌ی اتوبیکو-لیکشور (Etobicoke-Lakeshore) در تورنتو نامزد حزب لیبرال برای ورود به مجلس شد و در رأی‌گیری روز ۲۴ ژانویه آن سال به پیروزی رسید و در انتخابات ۱۴



Michael Ignatieff



Michael Ignatieff

اکتبر ۲۰۰۸ (سال گذشته) بار دیگر از همین حوزه‌ی انتخاباتی به مجلس راه یافت.

ایگناتیف پیش از فعالیتش به عنوان سیاستمدار، با نوشتن حدود بیست کتاب داستانی و غیرداستانی و یک نمایشنامه و صدها مقاله به شهرتی جهانی رسیده است. وی به ویژه با مطرح کردن دیدگاه‌ها و نظرات گاه متناقض خود درباره‌ی مسائل جهانی و از جمله مسائل مربوط به حقوق بشر و شیوه‌ی برخورد کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی برای حل مناقشه‌ها و درگیری‌ها در منطقه‌های آشوب‌زده‌ی جهان شهری استثنایی کسب کرده است.

سیاست، حقوق بشر و مواضع ایگناتیف «مأموریت افغانستان»

وی از معدود نمایندگان لیبرال است که از مواضع هارپر و دولت او در مورد مأموریت افغانستان پشتیبانی کرده و به لایحه‌ی ادامه‌ی این مأموریت تا سال ۲۰۱۱ رای مثبت داده است. از ۱۰۲ نماینده‌ی لیبرال تنها ۲۴ نماینده از سیاست هارپر در مورد ادامه‌ی مأموریت جنگی ارتش در افغانستان حمایت کرده‌اند. ایگناتیف در توجیه حمایت خود از ادامه‌ی «مأموریت افغانستان» در مجلس گفت: «کانادایی‌ها باید درباره‌ی مأموریت افغانستان بدانند که ما سالها از دوران پاسداری از صلح به شیوه‌ی پیرسونی دور شده‌ایم و آن را پشت سر گذاشته‌ایم.»

لازم به یادآوری است که «لستر. بی. پیرسون» چهاردهمین نخست وزیر تاریخ کانادا است که از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸ رهبری کشور را در دست داشت. پیرسون پیش از رسیدن به این مقام در جریان بحران کانال سوئز که در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۵۰ جهان را در پرتگاه جنگ سوم جهانی قرار داد، وزیر امور خارجه‌ی کانادا بود. سپاه صلح یا «کلاه آبی‌های» سازمان ملل متحد به ابتکار پیرسون تشکیل شد. پیرسون توانست با تلاش‌های دیپلماتیک خود به بحران کانال سوئز را خاتمه دهد. بعد از پایان جنگ کره به سال ۱۹۵۳ و بحران کانال سوئز، کانادا در صحنه‌ی بین‌المللی به عنوان نیروی پاسدار صلح حضور یافته و عمل می‌کرده است. پیرسون به خاطر کوشش‌های صلح‌طلبانه‌ی خود پس از خاتمه دادن به بحران کانال سوئز «جایزه‌ی صلح نوبل» را به سال ۱۹۵۷ دریافت کرد.

«ملت کبک»

۲۱ اکتبر ۲۰۰۶ شاخه‌ی کبک حزب لیبرال قطعنامه‌ای تنظیم کرد که بر اساس آن کبک به عنوان «ملت» شناخته شود. ایگناتیف از این قطعنامه پشتیبانی کرد و پیشنهاد داد که این شناسایی احتمالاً باید با تغییر در قانون اساسی کشور رسمیت جدی‌تر بیابد. در همین راستا زمانی که استفن هارپر لایحه‌ای در همین زمینه به مجلس ارائه کرد ایگناتیف به آن رای مثبت داد.



جهان‌بینی و دیدگاه‌های سیاسی ایگناتیف

ایگناتیف به این آموزه (دکترین) باور دارد که کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی جهان باید با مداخله‌های خود از ادامه‌ی حکومت‌های دیکتاتور جلوگیری کرده و مناقشه‌های منطقه‌ای جهان را حل و فصل کنند. بر اساس این جهان‌بینی سیاسی، از حمله‌ی آمریکا به عراق پشتیبانی کرده است. وی در زمان اعلام پشتیبانی خود، این حمله را به خاطر

این که صدام حسین و عراق سلاح‌های کشتار جمعی تولید می‌کند، توجیه کرد. اما زمانی که معلوم شد عراق سلاح‌های کشتار جمعی ندارد در چند مقاله و سخنرانی توضیح داد به دلیل دیکتاتوری صدام و کشتار شیعیان و کردها به دست حکومتش، حمله‌ی آمریکا برای سرنگونی وی لازم بوده و این دلیل برای اقدام نظامی علیه وی کافی است.

در جریان جنگ کوزوو (Kosovo) و نسل‌کشی در رواندا وی در توضیحات توجیهی فلسفی خود خواستار آن شد که نیروهای عضو ناتو و دیگر کشورهای غربی در این درگیری‌ها نقش گسترده‌تری بر عهده بگیرند.

در جریان درگیری اسرائیل و حزب‌الله در جنوب لبنان، اسرائیل را به سبب پرتاب موشک‌هایی که صدها نفر را از میان برد به نقض حقوق بشر متهم کرد اما پس از آن که سازمان‌های قدرتمند یهودی کانادا و آمریکای شمالی این نظریه‌ی او را مورد انتقاد شدید قرار دادند، وی در چند سخنرانی و از جمله در برنامه‌ی تلویزیونی مشهور Tout Le Monde En Parle برنامه‌ی پربیننده‌ی تلویزیونی رادیو کانادا (بخش فرانسه‌ی سی.بی.سی)، سعی کرد نظریه‌ی خود را تعدیل کند و حتا به نوعی نظرهایی متناقض با آنچه پیش از آن گفته بود در این برنامه مطرح کرد. ایگناتیف قرار بود بنا به گفته‌ی خودش برای رفع این سوءتفاهم به اسرائیل سفر کند. اما این سفر انجام نشد.

در رابطه با حمله‌ی اخیر اسرائیل به غزه، ایگناتیف اقدامات نظامی اسرائیل را مورد تأیید قرار داده است که این موضع‌گیری او سبب تظاهراتی در ونکوور علیه رهبر حزب لیبرال شد.



رهبری حزب لیبرال

پس از انتخابات ۲۴ ژانویه ۲۰۰۶، پاول مارتین از مقام رهبری حزب لیبرال کناره گرفت. هفتم آوریل ۲۰۰۶ مایکل ایگناتیف خود را نامزد به دست گرفتن رهبری این حزب اعلام کرد. کنوانسیون انتخاب رهبری در اول و دوم دسامبر ۲۰۰۶ در مونترال برگزار شد. ایگناتیف با این که از طرفداری شمار قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان عضوهای حزب و به ویژه مقام‌های بلندمرتبه‌ی حزب برخوردار بود در مرحله‌ی چهارم رای‌گیری زمانی که از شش نامزد تنها استفان دیون و ایگناتیف به دور پایانی رسیده بودند، باب ری حاضر نشد از طرفداران خود بخواهد که از هم‌اتاقی و دوست قدیمی‌اش پشتیبانی کنند. از سوی دیگر جرالند کندی دیگر نامزد رهبری بر اساس قراری از پیش بسته شده از طرفداران خود خواست با رای خود از دیون حمایت کنند. در نتیجه، در این مرحله استفان دیون توانست با به دست آوردن ۲۵۲۱ رای ایگناتیف را که ۲۹۸۴ رای آورده بود، شکست دهد و به جانشینی پاول مارتین برسد.

استفان دیون با رهبری ضعیف خود در انتخابات ۱۴ اکتبر ۲۰۰۸ بدترین نتیجه‌ی انتخابات برای حزب لیبرال در تاریخ این حزب را به دست آورد. پس از این بدترین نتیجه، دیون از سوی مقام‌های حزب لیبرال و اکثریت ۷۷ نماینده‌ی انتخاب شده و از طرف عضوهای عادی حزب، به شکل‌های مختلف مورد انتقاد قرار گرفت. فشارها تا به آنجا رسید که دیون بعد از شروع دوباره‌ی کار مجلس اعلام کرد تا انتخاب رهبر جدید به عنوان رهبر موقت حزب لیبرال در این مقام می‌ماند.

بحران سیاسی بی‌سابقه و لزوم انتخاب رهبری تازه

روز ۲۷ نوامبر ۲۰۰۸ (سال گذشته)، جیم فلاهرتی، وزیر دارایی هارپر، گزارشی روزآمد شده از وضعیت بحرانی اقتصاد کانادا و برنامه‌های دولت را به مجلس ارائه کرد. با ارائه‌ی این گزارش بحران سیاسی بی‌سابقه‌ای در اتاوا آغاز شد.* مجلس که قرار بود روز ۸ دسامبر با دادن رای عدم اعتماد دولت هارپر را ساقط کند به دست هارپر تعطیل شد. دیون با امضای قراردادی با جک لیتون، رهبر ان‌دی‌بی طرح تشکیل دولت ائتلافی را برای جانشینی دولت هارپر ریخت. این دولت ائتلافی از سوی بلوک کبکوا هم پشتیبانی شد. در جریان این بحران

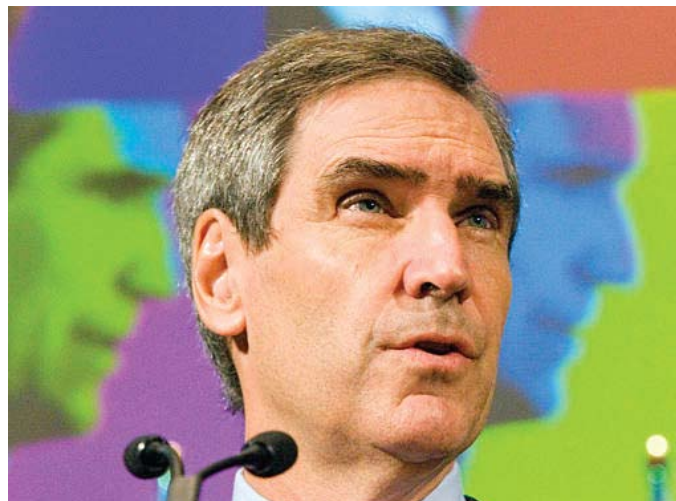
سیاسی، لزوم انتخاب رهبری تازه برای حزب لیبرال بیش از پیش مطرح شد و جنبه‌های جدی‌تری به خود گرفت. روز دهم دسامبر ایگناتیف به عنوان رهبر موقت تازه حزب لیبرال از سوی فراکسیون نمایندگان لیبرال مجلس برگزیده شد. قرار است در کنوانسیون این حزب که در ماه مه ۲۰۰۹ در ونکوور تشکیل شود، رهبر دائمی انتخاب شود. بسیاری از ناظران و تحلیلگران سیاسی گمانشان بر این است که مایکل ایگناتیف به رهبری دائمی هم برگزیده خواهد شد.

چالش‌های ایگناتیف و آینده‌ی سیاسی کانادا

مجلس از روز دوشنبه ۲۶ ژانویه کار خود را از سر می‌گیرد. قرار است روز ۲۷ ژانویه لایحه‌ی بودجه‌ی دولت هارپر به مجلس ارائه شود. ایگناتیف بر اساس گزارش تورنتو استار در روز دوشنبه ۱۹ ژانویه با بخشودگی‌های مالیاتی برای طبقه‌ی متوسط به دست هارپر مخالفت کرده است و تهدید کرده که اگر این بودجه دارای طرح‌ها و برنامه‌های کارساز برای مقابله با بحران اقتصادی جاری نباشد حزب لیبرال بر اساس آن به دولت اقلیت رای عدم اعتماد خواهد داد. هارپر اعلام کرده است که بودجه‌ای که ارائه خواهد شد کسری بیش از ۳۰ میلیارد دلار خواهد داشت. بر اساس گزارش لاپرس در این رابطه هم ایگناتیف روز سه‌شنبه ۲۰ ژانویه بعد از جلسه‌ای با نمایندگان

قابل قبول است، از دادن رقم و عدد دقیق خودداری کرده است. ایگناتیف در شرایطی بحرانی به رهبری حزب لیبرال دست یافته است و با چالش‌های متعددی روبرو است. یکی از این چالش‌های عاجل، سازماندهی دوباره‌ی حزب و بازگرداندن اعتبار از دست رفته به لیبرالها است. درازمدت - گرچه فرصت کمی برای انجام این کار دارد - این چالش بزرگی است که وضعیت آینده‌ی این حزب و هم آینده‌ی سیاسی کانادا و خود ایگناتیف بستگی بسیاری به آن دارد. اما بزرگترین چالش ایگناتیف که فوری و بسیار اضطراری است و با توجه به بحران اقتصادی که کشور را فلج کرده، تصمیم‌گیری‌اش درباره‌ی لایحه‌ی بودجه‌ی دولت هارپر است.

اگر ایگناتیف این بودجه را بپذیرد باید بر اساس بودجه‌ای که بودجه‌ی او و حزب تحت رهبری‌اش نیست با دولت هارپر برای ادامه‌ی حکومت همکاری کند. اگر به آن رای عدم اعتماد بدهد، یا باید به گزینه‌ی «انتخابات» - که طرفدار زیادی ندارد - تن دهد و یا با رهبری دولت ائتلافی - که آن هم در کل کانادا به جز کبک پذیرشی پیدا نکرده - خود زمام حکومت را به دست بگیرد. با این ترتیب در اولین تصمیم‌گیری‌ها به عنوان رهبر حزب لیبرال، مایکل ایگناتیف با چالش‌هایی روبرو شده که غلبه بر آنها و یا شکست در مقابل این چالش‌ها آینده‌ی سیاسی او، حزب تحت رهبری‌اش و همراه هر دو اینها، «آینده‌ی سیاسی کانادا» را رقم خواهد زد.



لیبرال در اتاوا به خبرنگاران توضیح داد که اگر این کسری بودجه توجیه منطقی اقتصادی نداشته باشد، به آن رای مثبت نخواهند داد. اما زمانی که از او پرسیده شد چه میزان کسری بودجه از نظر وی

لیبرال در اتاوا به خبرنگاران توضیح داد که اگر این کسری بودجه توجیه منطقی اقتصادی نداشته باشد، به آن رای مثبت نخواهند داد. اما زمانی که از او پرسیده شد چه میزان کسری بودجه از نظر وی

* در این باره به مقاله‌ی «بحران بی‌سابقه‌ی سیاسی در اتاوا» نوشته‌ی همین قلم در شماره‌ی ۲۸ «هفته» به تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۰۸ مراجعه کنید.



Michael Ignatieff

پردهای از انقلاب فرانسه

بخش دوم

با دکتر شهداد حیدری
در کافه لیت

■ سلماز شاکری فرد

پانزدهم ژانویه، کافه لیت جلسهی صدوچهارم خود را باز هم میزبان دکتر شهداد حیدری بود. شهداد حیدری که هفتهی گذشته در مورد انقلاب کبیر فرانسه از شروع شکلگیری تا پایان انقلاب - که گفته می شود با محاکمه و مرگ روبسپیر رقم خورد - صحبت کرده

کبیر اختصاص داد. همان طور که در جلسهی گذشته اشاره شد، با سپردن روبسپیر به گیوتین، فاز اصلی و اول انقلاب تمام شد. پس از آن، دوره‌ای با نام «ترمیدور» (Thermidore) شروع می شود که در لغت به معنای «گرمابخش» (نام ماهی در تقویم جدید انقلابی برابر جولای/ژوویه)



نابلئون از مانفیسست خود می گوید

و در ادبیات سیاسی به معنای سکوت، جا افتادن و دوری از افراط گرایی است. اما در عمل در این دوره کشور فرانسه دستخوش هرج و مرج و نبود امنیت

بود، این جلسه موضوع صحبت خود را به نابلئون بناپارت، زندگی و نقش او در حوادث متعدد فرانسه پس از انقلاب

نابلئون در سوریه

مکمل کرد. مدتی بعد، نابلئون برای مقابله و شکست کامل سلطنت طلبان از برس تقاضای اختیار مطلق کرد.

نابلئون بناپارت نابلئون در ۱۵ اگوست ۱۷۶۹ در آژاکسیو (Ajaccio)، شهری در جزیره‌ی کرس (Corsica) به دنیا آمد. نابلئون دومین فرزند از بین ۷ خواهر و برادر بود که ۴ نفر آنها زنده ماندند. پدرش، کارلو بناپارته وکیل بوده و در مجلس‌های سه‌گانه هم نماینده‌ی طبقه اشراف بود. او عنوان اشرافیت را با پول خریده بود. این عنوان اگرچه سطح پایین بود، اما وی را از حد مردم عادی بالاتر نگه می‌داشت. او که برای تحصیل فرزندانش اهمیت زیادی قائل بود، نابلئون و برادرش را به پاریس فرستاد. جالب توجه است که بدانییم جزیره‌ی کرس، محل تولد نابلئون، در هنگام تولد او به استان جنوای ایتالیا تعلق داشت و بخشی از ایتالیا بوده و تنها یک سال پس از تولد نابلئون، این جزیره به دولت فرانسه داده می‌شود و به همین دلیل نابلئون جوان تنها پس از ۷ سالگی بود که زبان فرانسه را فراگرفت. این مسئله باعث می‌شد که او در مدرسه مورد تحقیر و تمسخر همسالانش واقع شود. او در دوران مدرسه در ریاضیات، فیزیک و نقشه‌کشی نمره‌های ممتازی کسب کرد.

نابلئون در ۱۵ سالگی وارد مدرسه‌ی

می‌شود و سلطنت طلبان بازمانده از دوران ترور، طرفداران روبسپیر و امثال آنها را به قتل می‌رسانند. در این دوران، دولتی که بر سر کار بود، قانون اساسی را تغییر داد و این تغییر منجر به دوره‌ی جدیدی به نام «دوره‌ی حکومت هیئت مدیران» (Directoire) شد. در این حکومت، مجلس یا پارلمان متشکل از دو بخش بود. بخش اول شامل ۵۰۰ نماینده و بخش دوم، شامل ۲۵۰ سناتور که از میان ریش سفیدها انتخاب می‌شدند. هر ساله این ۵۰۰ نماینده فهرستی را به سناتورها می‌دادند که سناتورها از بین آنها ۵ مدیر اجرایی کشور را انتخاب کنند. دولت هیئت مدیران هیچوقت نتوانست وضعیت نابسامان کشور را سروسامانی ببخشد. اوضاع اقتصادی رو به وخامت داشت، جنوب فرانسه در اشغال بود و تصفیه حساب بازمانده‌های ترور بزرگ با روبسپیری‌ها همچنان ادامه داشت. این دوره به نام «ترور سفید» معروف است. بار دیگر انتخاباتی برگزار شد که نتیجه‌ی نگران‌کننده‌ای برای انقلابیان به همراه داشت. سلطنت طلبان در پاریس و استان‌ها رای آوردند. رهبر هیئت مدیران، برس (Paul Barras)، که فردی بسیار ولخرج و مدیری نالایق بود، برای سرکوب سلطنت طلبان ابتدا «گارد ملی» را بسیج کرد ولی از آنجا که به توانایی خود اطمینان نداشت، از ژنرال جوانی با نام نابلئون بناپارت درخواست



فیروز همتیان

Agent Immobilier Affilié

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315

Fax: (514) 364-3649

9515 Lasalle boul. Lasalle Qc.

مشاور املاک و مستغلات

در مونترال و South Shore

مسکونی و تجاری

ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

رستوران گیلان

با مجموعه ای از غذاهای لذیذ گیلانی

گیلان دوشنبه ها تعطیل است

(514) 807-8747 5700 Sherbrooke W Montréal H4A 1W8

نظام پاریس شد و حکم ورودش را لوئی شانزدهم شخصا امضا کرد. می‌گویند که یکی از استادان او در این زمان گفته است: «این جوان آینده‌ی دنیا را تغییر خواهد داد.»

ناپلئون ابتدا به درجه‌ی ستوانی و سپس به سرهنگی ارتقا پیدا کرد. در این دوران، او با قهرمان استقلال‌طلبی کرس، پائولی دوست می‌شود و در همین راستا افکار آزادی‌خواهی و جمهوری‌خواهی در او شکل می‌گیرد. هر چند که کمی بعد، راه این دو دوست و افکار و ایده‌هایشان از هم جدا شد و در نهایت پائولی، خانواده‌ی بناپارت را از کرس بیرون می‌کند.

در روزهای انقلاب، لوئی فکر می‌کرد که به خاطر قدرت ارتش و شرایط کشور بالاخره انقلابیان ناامید شده و با ورود نیروهای ائتلاف، انقلاب شکست می‌خورد.

در همین زمان، ناپلئون بناپارت که در پاریس در آپارتمانی مقابل میدان تویلری سکونت داشت، نظاره‌گر دستگیری شاه و ملکه و توهین مردم به آنها بود. او در خاطرات خود، انزجارش از این صحنه‌ها را ابراز نموده و می‌گوید، هرگز نباید اداره امور را به مردم عامی واگذار کرد. بناپارت به شدت مخالف آدمکشی‌های روزهای انقلاب بوده، معتقد بود: مردم فرانسه احتیاجی به تصفیه حساب‌های داخلی ندارد، آنچه ما الان نیاز داریم وحدت ملی است. همان طور که پیشتر هم ذکر شد، در ماه واندیمییر (Vendémiaire) از تقویم انقلابی (برابر اکتبر) برای سرکوب نیروهای سلطنتی از ژنرال جوان ناپلئون بناپارت کمک خواست و ناپلئون پس از این سرکوب به «ژنرال واندیمییر» معروف شد.

در دوران حکومت هیئت مدیران، شیئی بناپارت با عده‌ای کاسب در پاریس نشسته و مشغول به بحث بودند. همان شب بناپارت در رساله‌ای که طرفدارانش آن را «مانیفست» او می‌دانند، از ایده‌های جمهوری‌خواهانه خود و نیاز فرانسه به حکومت جمهوری و وحدت ملی حرف می‌زند. البته این رساله به آن اندازه که بسیاری در مورد آن تبلیغ می‌کردند اهمیت ندارد چرا که بناپارت در آن حرف جدیدی زده و تئوری سیاسی خاصی را معرفی نکرده است.

پس از سرکوب واندیمییر، حکومت هیئت مدیران، بناپارت را مسئول سرکوب شورش‌های جنوب فرانسه می‌کند. بناپارت با این ایده مخالف بود چرا که اعتقاد داشت ریختن خون فرانسویان برایش خطرناک خواهد بود به خصوص در زمانی که دوستان دیروز به سرعت به دشمنان امروز تبدیل می‌شدند. نتیجه این بود که بناپارت بیکار شد و به ژنرال درجه‌داری تبدیل شده بود که بیکار در خیابان‌های پاریس می‌گشت.

بناپارت تا پیش از سرکوب واندیمییر، ژنرال گمنامی بیش نبود و شهرت خود و درگیر شدنش با مسائل سیاسی و نظامی روز را در حقیقت مدیون یکی از دوستان کرسی خود، آنتوان کریستف سالیستی (Antoine Christophe Saliceti) شد. سالیستی که به نوعی برابر مأمور عقیدتی سیاسی ارتش بود، وظیفه‌ی سانسور نشریه‌های ارتش، جاسوسی میان افسران و تایید افسران تازه‌کار را داشت. او ناپلئون را تایید کرد و زمینه را برای بالا آمدن و قدرت گرفتن بناپارت جوان فراهم نمود. در آن زمان تولان که بندر بسیار بااهمیتی بود، در اشغال انگلیس بود و نیروهای فرانسوی در نبردهای مختلفی نتوانسته بودند تولان را پس بگیرند. بناپارت مأمور بردن مهمات به تولان

می‌شود. این ماموریت ابتدا به نظرش کم‌اهمیت آمد به خصوص که از وضع نابسامان ارتش خبر داشت. از فرماندهان ارتش آن موقع، بیشتر افراد جوان و کم‌تجربه باقی مانده بودند. فرماندهان باتجربه و قوی یا به دست گیوتین سپرده شده و یا فرار کرده بودند. ناپلئون به نقاط ضعف ارتش واقف بود، تصمیم گرفت به جای هدر دادن نیروهای زیاد، در بیرون دماغه‌ی بندر تولان، «قلعه‌ی اگلت» (Eglet آشیانه‌ی عقاب) را گرفته و در آنجا نیروهای انگلیسی را به زانو درآورند. این نبرد ۲ روز به طول انجامید و طی آن خود بناپارت هم زخمی شد. اما نتیجه در نهایت پیروزی ارتش فرانسه و به دنبال آن شهرت فراوان ناپلئون در محافل مختلف فرانسه و ارتقاء درجه‌ی او به سرتیپ (Brigadier general) در سال ۱۷۹۴ بود.

در همین هنگام در پاریس، روبسپیر سقوط می‌کند و ناپلئون هم - که با برادر روبسپیر دوست نزدیک بود - به زندان رفت ولی زود آزاد می‌شود چرا که حالا دیگر شخصیت نظامی شناخته‌شده‌ای بود و در ضمن جرمی هم مرتکب نشده بود. بناپارت را اینجا به خاطر موفقیتش در سرکوب واندیمییر فرمانده ارتش ایتالیا می‌کنند و او را برای مقابله با ارتش اتریش، به ایتالیا می‌فرستند. نبرد پل آرکول (Arcole)، که ۲ روز طول کشید، در زمین‌های باتلاقی و در شرایط سختی اتفاق افتاد. بناپارت در این نبرد، پا به پای سربازان خود می‌جنگید و گفته می‌شود که به سربازان می‌گفته من ژنرال نیستم، من هم مانند شما سربازم. حین جنگ، بناپارت پرچم فرانسه را به دست می‌گیرد و نفر اولی است که در مقابل آتش دشمن از پل می‌گذرد. پس از این پیروزی، نبردهای ایتالیا ادامه می‌یابد و بناپارت با ۸ لشکر فرانسوی، بعضی سوار بر اسب و برخی با پای پیاده، از کوه‌های آلپ هم می‌گذرد و در نهایت بخش بزرگی از ایتالیا را وادار به تسلیم شدن می‌کند. با وجود این که حکومت هیئت مدیران از او خواسته بود که ایتالیا را فتح و سرزمین‌های اشغال شده را غارت کند و حاصل را به فرانسه بفرستد، ناپلئون هر منطقه‌ای را که فتح می‌کرد، همان جا حکومت جمهوری برای منطقه درست می‌کرد و بدین ترتیب بین مردم ایتالیا لقب «نجات‌بخش» و آزادکننده پیدا کرده و در تاریخ ایتالیا هم‌تراز جوزپه گاریبالدی مورد احترام است. البته بناپارت در تاراج موزه‌های ایتالیا کوتاهی نکرد و با به غارت بردن آثار و اشیای قیمتی و باارزش و بردن آنها به موزه‌ی لوور، به عظمت این موزه افزود.

در جریان نبردهای ایتالیا، بناپارت، باز هم خودسرانه، در رم به دیدار پاپ «پیوس هفتم» (Pius VII) می‌رود. در تاریخ از این ملاقات با نام «آشتی» یاد می‌کنند زیرا با وجود این که مردم فرانسه، مردم مذهبی بودند، ولی انقلابیان قصد تشکیل حکومتی کاملاً غیرمذهبی داشتند و قدرت کلیساها را کاملاً از آنها گرفته و اموال آنها را غارت کرده بودند. ناپلئون در این دیدار، قراردادی را به پاپ تحمیل می‌کند که ضمن آن، به

پاپ قول می‌دهد کلیساها را دوباره در فرانسه احیا کند، اما با شرایط خودش. وی همچنین این مطلب را به پاپ اعلام می‌کند که مذهب کاتولیک را به عنوان دین رسمی فرانسه اعلام نخواهد کرد. او در عین حال برای آن که حمایت انقلابیان را از دست ندهد، اموال کلیساها را به پاپ برنگرداند. در همین حال، در فرانسه چون وضعیت دولت هیئت مدیران آشفته بود و دولت درگیر مسائل اقتصادی، رسیدگی به مالیات‌ها و تفرقه بین مردم بود، به ناچار با خودسری‌های بناپارت می‌ساخت.

ناپلئون در سال ۱۷۹۶ به پاریس برگشت. به محض بازگشت به پاریس، تالیان (Talleyrand)، وزیر امور خارجه‌ی دولت هیئت مدیران، از او خواست تا نقشه‌ای برای حمله به بریتانیا بکشد. پس از ۲ ماه مطالعات جدی، بناپارت به این نتیجه رسید که حمله به بریتانیا



ناپلئون در جنگ ایتالیا

عملی نیست چرا که فرانسه نیروی دریایی لازم را ندارد. پس به پیشنهاد ناپلئون و اصرار تالیان، دولت قانع شد که برنامه‌ی حمله به مصر را عملی کنند تا از آنجا بتوانند راه انگلیس به هندوستان را ببندند. پس ناپلئون با ۵۰ هزار نفر نیروی آماده و کشتی‌های متعدد از جنوب فرانسه عازم مصر شد تا از آنجا مدیترانه را که از اهمیت استراتژیک و اقتصادی بسیار بالایی برخوردار بود و کانال بازرگانی بین آسیا و اروپا بود، تحت کنترل بگیرند. بناپارت اسکندریه را با تنها ۲۰۰ زخمی می‌گیرد و در قاهره در نبرد اهرام، در مقابل ارتش ۲۴ هزار نفری از نیروهای مملوک و ترک، با ۲۳۰ کشته پیروز می‌شود. در آن زمان، سلطان عثمانی بر مصر حکمرانی می‌کرد. ادامه در صفحه ۲۱ <<

مورد عجیب بنجامین باتن

نوشتن از فیلم سینمایی در صفحه‌ی ادبی شاید خارج خواندن محسوب شود ولی از آنجا که مقصود این نوشته بیشتر واکاوی استعاره‌هایی از فیلم است شاید بشود در رده‌ی نقد ادبی جایی برای این چند خط باز کرد.

«مورد عجیب بنجامین باتن» به کارگردانی دیوید فینچر (David Fincher) این روزها روی پرده‌ی سینماها به نمایش گذاشته شده است. داستان فیلم در یک خط، زندگی بنجامین باتن است. تنها تفاوت بنجامین با دیگر آدمیان در نحوه‌ی به دنیا آمدنش است: او پیر به دنیا می‌آید، به تدریج جوان می‌شود و کودک از دنیا می‌رود. شاید در نگاه اول داستانی علمی-تخیلی به نظر بیاید ولی سازندگان فیلم به جای مطرح کردن این ایده‌ی جالب و ساختن فیلمی تجاری، از این ایده فقط به عنوان بستری استفاده کرده‌اند و با گنجاندن استعاره‌ها شاهکاری آفریده‌اند. فیلم بیشتر نیش کنایه‌ای شیطنت‌بار به مفهوم جبر و اختیار است. شیطنت‌بار از آن رو که گه‌گاه جانب جبر گرفته می‌شود و گه‌گاه جانب اختیار. بخش‌هایی از فیلم استیصال در برابر جبر است، پیر بودن کودکی بنجامین، ناتوانی‌اش از معاشرت با هم‌سنانش در تمام طول زندگی، تصادف معشوقش دیزی (Daisy) و بسیار وقایع دیگر. حتی آن پیرمردی که نمی‌دانست چرا هفت بار دچار صاعقه‌زدگی شده بوده هم شوخی با مفهوم جبر است. از طرفی اختیار بنجامین در کنار همین جبر متولد می‌شود. او علی‌رغم پیری، در اوایل زندگی ملوان می‌شود، به جنگ می‌رود، اولین عشقش را تجربه می‌کند و گویی به اختیار خود مسیر زندگی را انتخاب می‌کند و حتی تصمیم او برای ترک همسر و فرزندش از اختیارش است. بازی ذهنی از آنجا آغاز می‌شود که ترک همسرش را ناشی از جبر پیری و جوانی واژگون‌اش بدانیم یا انتخاب او. بنجامین در قسمت‌های زیادی از تک‌گویی‌هایش (monologue) اعتقاد به آزادی و امید و شجاعت برای تغییر را فریاد می‌زند ولی شاید این فقط همان گول‌زنکی باشد که همه مشغول آن هستیم و موردی عجیب مانند بنجامین فقط یادآور جبر واقعی روزگار باشد.

سازندگان فیلم بر همین بستر داستانی ایده‌های دیگری نیز پرورانده‌اند. عشق بنجامین و دیزی شوخی دیگری با عشق‌های انسانی است. دیزی در جوانی بنجامین را رد می‌کند و بعدها که عاشق او می‌شود به بنجامین می‌گوید که «بار قبل من بسیار جوان بودم و تو بسیار پیر». سوز‌هی ساده‌ای چون جوان بودن دو نفر برای درک یکدیگر اینجا به مسأله‌ای پیچیده‌تر تبدیل می‌شود. بنجامینی که در ظاهر جوان می‌شود و در باطن پیر و این هر دو برای دیزی خوشایند است، انگار که موی سپید را فلک به رایگان به بنجامین بخشیده. آن دو در نقطه‌ی تعادل پیری و جوانی یکدیگر را کشف می‌کنند و درک می‌کنند. جاودانگی عشق آن دو آخر کار نمودی تکان‌دهنده دارد. دیزی سالخورده دست بنجامین کودک را می‌گیرد و به پیاده‌روی‌های عصرانه می‌روند. آلزایمر بنجامین از او کودکی واقعی ساخته است که باز کنایه‌ای به پیری در ظاهر و باطن است. مورد عجیب بنجامین باتن با ظرافت ساخته شده است. تک تک لحظه‌های زندگی بنجامین استعاره‌هایی از تضادهای فراموش‌شده‌ی زندگی است. پرداخت این استعاره‌ها به حدی عالی است که به گمان نگارنده فیلم با متن‌های سترگ ادبی برابری می‌کند.

یک شعر و معرفی شاعری به نام نیما

■ مهدی کشتکار

در این شماره قصد دارم با چاپ چند شعر از نیما به معرفی او بپردازم. اما این نیما آن نیمای مشهور «بوش» نیست. غالب مردمان دانشجویان رشته‌های فنی را در فرسنگ‌ها فاصله از شعر و شاعری می‌پندارند. اما نیما خادم که به تازگی در مقطع دکتری مهندسی پلیمر در پلی تکنیک مونترآل مشغول به تحصیل شده است یکی از مثال‌های نقض فراوان این پندار است. نیما سالهاست که در کنار تحصیل به کار شاعری، نویسندگی و تأثر مشغول است. او در شعر بسیار تحت تأثیر «احمد رضا احمدی» و «م. آزاد تهرانی» است. با هم چند نمونه از شعرهای او را می‌خوانیم:

دانه بلوط‌ها
به هر کجا که روی
حتی در سرد زمستان
بین درختان همیشه سبز کاج
تو جنگل سفید
به هر کجا که روی
با آن پوتین‌های کوچک
یادت باشد
دانه بلوط‌ها هنوز هم راه را نشان می‌دهند...

دانه بلوط‌ها هنوز هم راه را نشان می‌دهند...

هم‌صدا با چکاوک‌ها
من در کنار دور بالکنی تنها نشسته‌ام
به گذر سبز عاشقانه‌های عابران می‌نگرم

کسی مرا نمی‌خواند

جیب‌های پالتوی من پر غم است

چه کنم که شب‌ها باید جیب‌ها را خالی کرد

تنها شاید همان دسته‌ای از چکاوک‌ها

همدم من شوند و مرا بشنوند

آری

آنها می‌آیند

دستانم را می‌گیرند

مرا می‌برند

شنیدم در آسمان

کمی مانده به ابرها

یک‌صدا می‌خوانند:

«باید عاشق شد و ماند!»

آفتاب، دشت، تو

از مزرعه پدری

نگران از نگاه‌های مترسک

بی صدا به شوق دیدنت

دست از درو بر می‌دارم

دستانم بوی برنج نمور می‌دهد

بادی می‌وزد

تا کلاه مترسک در راه دشت آفتاب، سایبانم شود

پدر هنوز مشغول است

دستانش بوی کار می‌دهد

چه خوب است پیمودن جاده‌های آفتاب

جاده‌های دشت

جاده‌های تو

یکپارچگی جسم و ذهن

اگر واقعا می‌خواهید از مغز خود خوب استفاده کنید بایستی ابتدا یکسری تمرینات جسمی را با دقت فراگرفته و تکرار کنید. با انجام منظم این تمرینات بدنی، شما یاد می‌گیرید که بر محدودیت‌های جسمی خود غلبه کنید و مغز شما فرماندهی آگاهانه سایر اندامهای بدن را در دست می‌گیرد. این کنترل به نوبه خود، اعتماد به نفس شما را در زمینه‌های مختلف زندگی بالا می‌برد.

اصولا همهٔ تعلیمات و تمرینات ورزشی به شما کمک می‌کند تا به این هدف نزدیک شوید ولی برخی آموزش‌های خاص، نقش موثرتری در ایجاد هماهنگی جسم و ذهن ایفا می‌کنند. در بسیاری از رشته‌های ورزشی برخاسته از مشرق زمین، از جمله یوگا، تای چی و بعضی ورزش‌های رزمی، تربیت ذهن با هدف کنترل جسم، از اصول اساسی بشمار می‌روند. واژهٔ "یوگا" به معنای "یکی کردن" است و هدف آن نزدیک کردن هر چه بیشتر جسم و ذهن است. مطالعات بیشماري که در این زمینه انجام گرفته است همگی بر تاثیر خارق العادهٔ این تمرینات بروی مغز تاکید کرده و نشان می‌دهند که این نوع حرکات توانایی مغز را در ایجاد حالت آرامش، افزایش هماهنگی در بدن و بالاخره بالا بردن قدرت تمرکز بیشتر می‌کند.

مفهومی مشترک در همهٔ این تمرینات است (chi/qi) عنصر "کی" که به منزلهٔ انرژی حیات است که در سراسر عالم وجود جریان دارد. این عنصر همچنین، مرکز توجه و موضوع اصلی کاردر انواع طب سنتی آسیایی (از قبیل طب سوزنی و داروهای گیاهی) است که بر اساس مفهوم "کی"، به دنبال ایجاد تعادل و جاری ساختن انرژی در بدن هستند.

اگرچه ممکن است "کی" به اندازهٔ سایر اعمال زیستی بدن قابل لمس نباشد، میتوان این انرژی را عامل برقراری ارتباط بین بدن و ذهن تعریف کرد. این تعریف به شما کمک می‌کند تا درک بهتری از رابطهٔ جسم و ذهنتان داشته باشید و نیز در ایجاد هماهنگی بیشتر بین بدن و مغزتان به شما کمک می‌کند. میدانیم که کل سیستم عصبی انسان بطور غیر قابل انکار، برای ارسال و دریافت پیامهای خود متکی به محرک‌های الکتروشیمیایی است که صورتی از انرژی محسوب میشوند. با این توضیح، راحت تر میتوانید مغز خود را به عنوان جایگاه انرژی تصور کنید. در حقیقت، شما ممکن است پیش تر از این‌ها و بدون آشنایی با مفهوم "کی"، به رابطهٔ تنگاتنگ بین مغز و انرژی پی برده باشید. نمونه ای کاملا روشن از این رابطه، تجربه ایست که همه با آن آشنا هستیم. زمانیکه هشیار هستیم و افکار مثبت داریم احساس انرژی میکنیم و بر عکس، در شرایطی که ذهنتان در گیر نگرانی و یا غم و اندوه است خود را خالی از انرژی احساس میکنیم.

این‌ها مثال‌هایی بسیار ساده از چگونگی عملکرد انرژی حیات در مغز شماست ولی شما میتوانی با نگاهی دقیق تر به بدن خود، نمونه‌های بیشمار دیگری از

۸ "چگونه مغز خود را مدیریت کنیم"

کارکرد این انرژی در بدن بیابید. به عنوان مثال، زمانیکه در اثر استرس در بدن خود احساس گرفتگی و انقباض می‌کنید سعی کنید که این حالت را با انرژی راکد و حبس شده در اندام مورد نظر در ذهن خود مجسم کنید. قبلا اشاره کردیم که جریان انرژی در بدن در کنترل ذهن و مغز ماست، بنابراین

مغز شما می‌تواند در کنترل و از بین بردن اثرات استرس به بدن شما کمک کند. این همکاری و هماهنگی بین بدن و مغز، رمز سلامتی جسم و روح ماست.

تمرین: کرهٔ انرژی

انرژی "کی" را نمیتوان دید ولی میتوان آن را احساس کرد. این تمرین به شما کمک میکند تا وجود این انرژی را تجربه کنید. بعلاوه، انجام این تمرین به تمرکز عمیق و آرامش نیاز دارد که به نوبهٔ خود برای مغزهای آشفتنه و خستهٔ ما مانند داروی شفابخش عمل میکنند. شرط اول برای انجام صحیح این تمرین و احساس انرژی "کی"، آرامش است بنابراین پیش از شروع، چند حرکت کششی انجام دهید و سپس مدتی به تمرین تنفس عمیق که در بخش‌های قبل به آن اشاره کردیم بپردازید.

زمانی که احساس آمادگی کردید ابتدا به صورت چارزانو بنشینید و پشت خود را صاف نگه دارید. اگر نشستن در این حالت برایتان راحت نیست، روی صندلی بشینید و یا به دیوار تکیه کنید. دست‌های خود را در حالی که کف دست هاتان به سمت بالاست روی زانوهای خود قرار دهید. چشم‌های خود را ببندید و کاملا آرام باشید. همهٔ تمرکز شما باید به کف دست هایتان معطوف باشد. در این حالت بمانید تا وقتی در دست‌های خود احساس گرما، خارش و یا سوزش کنید.

با شروع این احساس، دست‌های خود را بسیار آرام بالا ببرید و کف دست هایتان را مقابل هم قرار دهید. دستان خود را به آرامی به هم نزدیک کنید بطوریکه به اندازهٔ دو سانتیمتر از یکدیگر فاصله داشته باشند. تمرکز شما همچنان بایستی کاملا بر کف دست‌ها و فضای بین آنها قرار بگیرد. به آرامی دست‌های خود را از یکدیگر دور کنید و دوباره آنها را به هم نزدیک کنید. پس از چند بار تکرار این حرکت به طور بسیار آرام، میتوانید وجود انرژی را بین دست‌های خود احساس کنید. همانطور که در ابتدا ذکر شد، این تمرین نیاز به تمرکز و آرامش مطلق دارد. صبور باشید و اگر در چند تلاش اول چیزی احساس نکردید این تمرین را در زمان، مکان و یا شرایط متفاوتی تکرار کنید تا زمانی که کرهٔ انرژی را با دستان خود لمس کنید.

پردهای از انقلاب فرانسه

>> ادامه از صفحه ۱۹

ناپلئون به محض تصرف قاهره، برای تنبیه مصریان که به تحریک سلطان عثمانی شورش کرده بودند هزار نفر را اعدام کرد، مسجد جامع قاهره را به توپ بست و حاکم مطلق مصر شد. مصریان بعدها به او لقب «سلطان کبیر» دادند. نبردهای ارتش فرانسه با نیروهای مصری و ترک، نبردهای بسیار نابرابری بودند، چرا که از طرفی نیروهای فرانسوی تجهیزات نظامی و سلاح‌های پیشرفته‌تری داشتند و از طرف دیگر فرانسویان در سنگربندی و مهندسی نظامی و نقشه‌های استراتژیک بسیار قوی‌تر از نیروهای دشمن عمل می‌کردند.

بعد از پیروزی فرانسویان در جبهه‌ی مصر، ترکان عثمانی تصمیم می‌گیرند از سمت سوریه به مصر حمله کنند. پس ناپلئون به سوریه لشکرکشی می‌کند و در

۲ نبرد سپاه ترکان را شکست می‌دهد. در این نبرد نیروهای فرانسوی، ۲۵۰۰ زندانی از عثمانی می‌گیرند که گفته می‌شود بناپارت به افرادش دستور می‌دهد تمام زندانیان را به هر شیوه‌ای می‌توانند بکشند. در این مورد عده‌ای معتقدند بناپارت از شیوه‌ی Euthanasia [مهرین‌کشی = کشتن دلسوزانه] استفاده کرده تا زندانیان، با توجه به شیوع طاعون زجر نکشند. اما از طرفی رفتارهای وحشیانه‌ای مانند این در نبردهای دیگر و در کلونی‌های فرانسه مانند هائیتی هم از فرانسویان دیده شده بود.

در همین موقع، نیروی دریایی انگلیس به فرماندهی هوریشیو نلسون (Horatio Nelson)، شبانه به ناوگان دریایی فرانسه حمله کرد و بخش بزرگی از آن را نابود کرد یا به تصرف خود در آورد. این حادثه تمام امیدهای ناپلئون را برای برتری دریایی در مدیترانه در مقابل نیروهای انگلیس به باد داد و ارتش بناپارت زندانی تصرفات خود در مصر شد.

در سفر به مصر، بناپارت به همراه نیروهای خود، عده‌ی زیادی دانشمند، باستان‌شناس، مهندس و هنرمند را به مصر آورد. در همین راستا او «موسسه‌ی قاهره» را ایجاد کرد. شاید هدف وی از این برنامه‌ها ترویج ایده‌آل‌ها و تفکرات خود در سرزمین‌های جدید بود. به هر حال آنچه مسلم است این که بناپارت فردی بوده با شخصیتی پر از تضادهای پیچیده. بعد از تصرف مصر و شکست ترکان عثمانی در سوریه، و با توجه به این که نیروهای فرانسوی دیگر عملا در دریا فلج شده بودند، به نظر نمی‌رسید که بناپارت کار زیادی در مصر داشته باشد. پس ناپلئون در حالی که همچنان، عنوان فرمانده مطلق مصر را حفظ کرد، از راه آب و تنها با یک کشتی بسیار زیرکانه از میان انگلیسی‌ها عبور کرده و خود را به پاریس رساند.

فرانسه در آن هنگام در شرایط بحرانی به سر می‌برد و بناپارت در بازگشت به پاریس مقدمات کودتا را آماده می‌کرد.

چایخانه‌ی ایرانی

گردآوری و تنظیم:
دکتر محمدرضا ملک

برای فهمیدن زندگی تلاش و تقلا نکن! زندگی را زندگی کن! برای فهمیدن عشق تلاش و تقلا نکن! عاشق شو، آنگاه زندگی را و عشق را خواهی فهمید. اما چنین فهمی حاصل کار حقیر ذهن تو نیست بلکه تجربه ناب تست.

جبران خلیل جبران

اگر خواهشی را خاموش سازی به روشنی میرسی.
بودا

از مجموعه منتشر نشده "اندیشه های زیبا و زیبایی های اندیشه"

اگر من نتوانم همه محرومان جهان را نجات دهم، حداقل می توانم دست افتاده ای را بگیرم و او را از زمین بلند کنم. اگر بتوانم این کار را انجام دهم در معنی به آن میماند که همه محرومان جهان را نجات داده ام.

دکتر بوسکالیا

هر روز فرصت تازه ایست تا یاد بگیریم و در بستر عشق بروئیم و ببالیم.

مولانا

هر روزی که در آن آگاه تر، لطیف تر، حساس تر، منصف تر، بیدارتر و مهربانتر شویم، آن روز در بستر عشق قد کشیده ایم.

دکتر بوسکالیا

عشق همیشه زیباست، وقتی بیاید دیگر هرگز نمیرود، و اگر زیباست وقتیکه می رود زیباییش را با خود نمیبرد که هنوز زیباست عشق موج نیست که برود، آتش نیست که خاموش شود، عشق جاودانگی است، شوریدگی است، پاکی است، شیدایی است تعهد است و زیبایی. تا انسان هست عشق هم هست و انسانیت انسان بسته به عشق است.

دکتر ملک

اطلاعاتی که صادقانه با رجوع به علم و منطق به جوانان ارائه شود از شدت خصومت و عنادورزی می کاهد و احساس اطمینان و اعتماد آنها را بیشتر میکند. بی تردید در این شرایط ایمان آنها به بزرگترها بیشتر میشود. در نتیجه جوانها احتمالاً باین نتیجه میرسند که علی رقم اختلاف سنی، با بزرگترها در انسان بودن شان شریک هستند.

دکتر هایم گینوت

■ احسان دانشیار

یکی از مکان‌های مهم برای وقت گذراندن و تفریح ایرانیان تا به همین اواخر چایخانه‌ها بوده است. در هر محله معمولاً یک یا چند چایخانه‌ی بزرگ و کوچک وجود داشت. معمولاً چایخانه بیشترین ساعت‌های کاری را در بین همه‌ی مشاغل داشت. بیشتر چایخانه‌ها پیش از طلوع آفتاب تا پاسی از شب گذشته پذیرایی می‌کردند.

همان طور که جعفر شهری‌یاف معتقد است چایخانه‌های بزرگ شامل سالنی بزرگ برای زمستان‌ها و حیاط وسیعی پر از گل و درخت برای فصل بهار و تابستان بوده‌اند. اگرچه شاید برخی چایخانه‌داری را جزو مشاغل پیش پا افتاده حساب کنند ولی این کار در نوع خود احتیاج به مهارت و زبردستی خاصی داشته است. چایخانه‌دار معمولاً از اهالی پرهیبت و مهم محل بوده است تا تمامی اهل محل حرمت وی را نگاه دارند و حق و حساب خود را همیشه به موقع پرداخت کنند.

شهری‌یاف می‌نویسد که تنها پیر ورزشکاران، کهنه داش‌مشتی‌ها، لوطی‌باشی‌ها، نایب‌ها (۱)، ده‌باشی‌ها (۲)، پنجاه‌باشی‌ها (۳) و لشگریان قادر بودند چایخانه‌دار باشند. گذشت، خلق خوش، مردم‌داری و احترام به عموم از صفات واجب چایخانه‌دار می‌بوده. اصولاً هیچ وقت چایخانه‌داران شوخی نمی‌کردند زیرا از ابهت‌شان کم می‌شد و این بدان خاطر بود که می‌بایست احترام چایخانه حفظ می‌شد. چایخانه‌دار می‌بایست همه را به یک چشم نگاه کند و هیچ تبعیضی بین مشتریان قائل نمی‌شد. احترام مشتریان پیر و سادات همیشه در چایخانه‌ها حفظ می‌شد.

سالن چایخانه همیشه پر بود از وسائل تزئینی، تابلوها، عکس‌های پهلوانان، سرشناسان محل، قالیچه‌ها و چراغ‌های مختلف. دور تا دور سالن، مشتریان روی نیمکت‌های چوبی می‌نشستند که بر روی آنها فرش زیبای ایرانی پهن بوده است. بر روی تخت‌هایی که در حیاط می‌بوده هم فرش‌های نوبی ایرانی می‌بوده که طبق قرارداد با فرش فروشی محل هر ساله عوض می‌شده‌اند. پرندگان خوش آوازی چون سهره و قمری در چایخانه‌ها همیشه جای داشته‌اند.



استخدام

آدیو ویدئو کبک به یک همکار برای

بخش فروش (پاره وقت یا تمام وقت) نیاز دارد

شرایط استخدام

■ با تجربه و دارای گواهینامه رانندگی

■ مسلط به زبان های فارسی، انگلیسی و فرانسوی

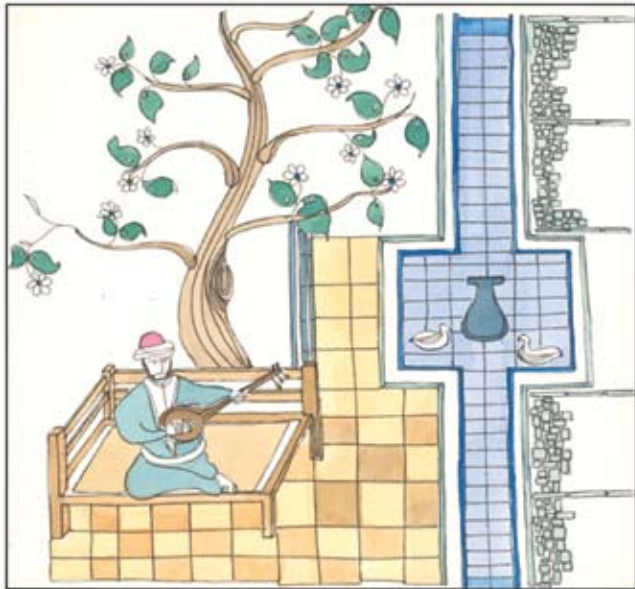
■ خوش برخورد - خوش اخلاق - خوش لباس - وقت شناس

با خانم Sylvie Audet تماس بگیرید

Audio Video Quebec Inc.

sylvie@audiovideoquebec.com

(450) 691-8801



Picture courtesy of E. Daneshiar

حیات چایخانه اثر نویسنده

به تکه‌های کوچکتر تقسیم می‌کرد. برایم جالب بود که بنشینم و به مشتریان و قندشکن نگاه کنم. چای خوردن برای خودش در ایران مراسمی دارد. در ابتدا چای را در سینی می‌آورند. در ابتدا بسیار گرم است که بنوشی. معمولاً ایرانیان چای را در نعلبکی ریخته و از نعلبکی می‌نوشند. چایخانه‌ی ایرانی بسیار برایم جالب بود و بعد از ظهرهای بسیاری را در چایخانه‌ها سپری کردم. میخایل کارول در کتابش چایخانه‌های ایرانی را به صورت زیبایی در کتابش به رشته‌ی تحریر درآورده است.

رکود چایخانه‌ها

عامل‌های زیادی را می‌توان در رکود چایخانه‌های ایرانی برشمرد از جمله ورود سینما، تئاترهای متعدد، کافه‌های نوین و رستوران‌های جدید. با گران شدن سرفق‌لی و زمین، صاحبان چایخانه‌ها یا محل را فروخته و یا تبدیل به مشاغل دیگری کردند. چایخانه‌های بزرگ با حیاط‌های بزرگ هم معمولاً تقسیم‌بندی شده و فروخته شدند. از طرفی دیگر، کم شدن مشتریان چایخانه‌ها سبب شد که سود و عواید چایخانه‌ها کم شده و دیگر انگیزه‌ای برای چایخانه‌دارها برای ادامه‌ی فعالیت باقی نماند. در پایان این چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تغییرات اجتماعی صد سال گذشته در افول چایخانه‌ی ایرانی تأثیرهای بسزایی داشته است، چایخانه‌هایی که روزگاری جزو فضاهای مهم اجتماعی ایران شمرده می‌شدند.

- ۱: افراد درجه‌ی صاحب‌منصبی مانند ستوان سه
- ۲: فرمانده ۱۰ نفر سرباز، مانند سرجوخه
- ۳: فرمانده پنجاه نفر سرباز

منابع
 - کتاب «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» نوشته‌ی جعفر شهری‌باف
 - from a Persian tea house (از چایخانه‌ی ایرانی) نوشته میخایل کارول

شهری‌باف معتقد است که شاهنامه‌خوانی، اسکندرنامه‌خوانی، سمک عیارخوانی، و امیرارسلان‌خوانی در چایخانه‌ها رواج بسیار داشته است. هر چایخانه ساعت به خصوصی را به شاهنامه‌خوانی اختصاص می‌داده است. شعر و غزلخوانی هم از دیگر مراسم رایج در چایخانه‌ها بوده است. شاعران جوان اشعار خود را برای حضاران می‌خواندند و از آنان نظر می‌خواستند. مجلس‌های بسیار جالبی می‌بوده است زیرا در آن ساعت‌های خاص اهل چایخانه را بیشتر شاعران تشکیل می‌دادند. مراسم دیگری چون لنگ‌بندان، پادشاه-وزیری نیز در چایخانه‌ها رواج می‌داشته است که شرح آن خارج از محدوده‌ی این مقاله است.

برای آن که بتوانیم درک بهتری از چایخانه‌ی ایرانی داشته باشیم می‌توان به خاطرات میخایل کارول اشاره کرد که در سال ۱۹۵۳ م. / ۱۳۳۲ خ به ایران سفر کرد. کارول در سفرش از اصفهان دیدن می‌کند و مشتری چایخانه‌ای می‌شود. در کتابش این چنین نقل می‌کند: «برای اولین بار صبح زود به چایخانه رفتم. چند مشتری که غرق در افکار خودشان بودند در چایخانه نشسته بودند. اطاق با نور صبح به طور مرموزی روشن شده بود و تنها صدایی که شنیده می‌شد صدای نعلبکی‌ها بود. مشتریان از صبحانه‌ی خود که شامل چای شیرین و مقداری نان تازه بود لذت می‌بردند. دور تا دور اطاق نیمکت‌های چوبی مرتب چیده شده بود که با فرش زیبای ایرانی پوشیده شده بود. در وسط اطاق حوض گردی قرار داشت که فواره‌ای هم داشت.

کارول چایخانه‌ی دیگری را این چنین وصف می‌کند:

غروب تابستان بود که پرده‌ی ورودی چایخانه‌ای را که شامل دانه‌های کوچک آبی رنگ بود کنار زدیم و وارد چایخانه شدیم. اطاق پر از مشتری و دود قلیان بود. مشتریان شانه به شانه روی نیمکت‌های فرش شده نشسته بودند و مشغول گفتگو و بحث بودند. از سقف اطاق چراغ‌های نفتی آویزان بود. فضای اطاق پر از شور و زندگی بود. در هیچ جای ایران این قدر نتوانستم در یک جا این قدر شور و زندگی را ببینم. کشفیدن قلیان در چایخانه جزو تفریح مردم است. حداقل در آن اطاق چهل قلیان با دود کم‌رنگ آبی‌شان هوای اطاق را سنگین می‌کرد. معمولاً شاگردان خاصی هستند که فقط قلیان می‌آورند. به محض این که قلیان سفارش داده می‌شود شاگرد ناپدید شده و به پشت سالن رفته و مشغول آماده‌سازی قلیان می‌شود. در میان همه‌ی مشتریان صدای تیشه‌ی کوچک پیرمرد قندشکن توجه‌ام را جلب کرد. پیرمرد قندشکن روی نیمکت نشسته بود و تکه‌های بزرگ قند را با تیشه



Picture courtesy of E. Daneshiar

چایخانه ایرانی اثر نویسنده

خبرهایی از دانش و فن آوری

مصطفی مدیر روستا

و حال نوبتی هم که باشد، نوبت برنامه‌های پیام فوری یا گپ (IM = Instant Messaging / chat) است. اگر شما تنها به تبادل متن و نوشته بسنده می‌کنید که هیچ خیالی نیست. Pidgin را نصب کنید و همزمان به خادم‌های ام.اس.ان و یاهو و حتا گوگل (از طریق Jabber) بپیوندید و بر روی هر سه خادم با دوستان خود به گپ بپردازید. اگر به دنبال تماس صوتی یا تصویری هستید، Skype نسخه‌ای برای لینوکس دارد که به خوبی از عهده‌ی این کار برمی‌آید.

نرم افزار Kopete برنامه‌ی دیگری است که قابلیت تبادل صوت و تصویر را به تبادل نوشته می‌افزاید و در حال حاضر کامل‌ترین برنامه‌ی گپ در لینوکس است که به تمامی خادم‌های متداول گپ اعم از یاهو و ام.اس.ان می‌تواند هم‌زمان وصل شود.

در زمینه‌ی گرافیک می‌توان به ساده‌ترین آنها یعنی TuxPaint اشاره کرد که برای کودکان بسیار مفید و سرگرم‌کننده است. برنامه‌های Gimp و Xfig و Inkscape از کامل‌ترین‌ها در نوع خود هستند ولی ناگفته نگذاریم که برای عادت کردن به آنها زمان لازم است مخصوصاً برای استفاده از Gimp. چرا که ظاهر و ابزار آن شباهتی به نمونه‌های ویندوز یعنی فتوشاپ یا Illustrator ندارد.

قبل از پایان این نوشتار باید گفت که بیشتر برنامه‌هایی که در اینجا از آنها نامی به میان آمد، نسخه‌ای هم برای ویندوز دارند. پس به راحتی می‌توانید آنها را امتحان کرده، با قابلیت‌هایشان آشنا شوید و با اطمینان بیشتر به لینوکس روی آورید.

امید می‌رود که تا حدی توانسته باشیم دنیای لینوکس را بیشتر به شما شناسانده باشیم. از آن رو که دو صد گفته چون نیم کردار نیست، همه‌ی علاقه‌مندان به آشنایی با لینوکس را دعوت می‌کنیم که گوش به زنگ آگهی آتی ما برای جشن نصب لینوکس در همین صفحه باشند و در تاریخی که اعلام می‌شود به جمع علاقه‌مندان لینوکس پیوسته، ببینید که لینوکس چه موجودی است و چه توانایی‌های دارد. به امید دیدار جملگی شما خوانندگان وفادار در نخستین جشن نصب لینوکس ایرانیان مونترال!

نشانی سایت برنامه‌هایی که در این مقاله آمده‌اند:

- <http://www.openoffice.org>
- <http://www.abisource.com>
- <http://www.scribus.net>
- <http://www.videolan.org/vlc>
- <http://www.getsongbird.com>
- <http://banshee-project.org>
- <http://cinelerra.org>
- <http://www.pidgin.im>
- <http://www.kopete.kde.org>
- <http://www.blender.org>
- <http://projects.gnome.org/dia>
- <http://www.gimp.org>
- <http://www.xfig.org>
- <http://www.tuxpaint.org>

است. اگر پرونده‌ی آفیس بسیار پیچیده باشد، شاید بعضی از قسمت‌های آن دقیقاً در OOO خوانده نشوند ولی تا آنجا که به تجربه‌ی شخصی من برمی‌گردد، باید گفت مشکلی اساسی در این مورد وجود ندارد. علاوه بر این که هر روز، گروه OOO در پی بهبود آن هستند. پس هر کمی و کاستی‌ای هم که موجود باشد، پس از چندی بر طرف می‌شود.

البته فراموش نشود که لینوکس و برنامه‌های آن چون در تمامی دنیا به کار می‌روند و نویسندگان آن از هر زبان و ملیتی می‌توانند باشند، به طور کلی پشتیبانی آن از زبان‌های طبیعی دیگر بسیار بیشتر از آن چیزی است که در ویندوز دیده می‌شود. نتیجه آن که آسوده خاطر باشید که فارسی نوشتن در OOO بی هیچ مشکلی مهیا است.

Abiword برنامه‌ی نگارش دیگری است که از OOO حافظه‌ی کمتری می‌گیرد، سریعتر اجرا می‌شود، و با نسخه‌ی ۲۰۰۷ آفیس همخوانی بیشتری دارد گرچه به مفصلی OOO نیست.

برای آثانی که در کار نشر رومیزی (DTP=Desktop Publishing) هستند، برای مثال کاربران PageMaker، باید گفت که Scribus به راحتی از عهده‌ی این کار برمی‌آید و دغدغه‌ای در این خاطر نباید

گاه کاربران کامپیوتر فراموش می‌کنند که سیستم عامل چیزی بیش از ابزار کار نیست، ابزاری که زمینه را برای برنامه‌های دیگر فراهم می‌آورد تا بتوانند از قابلیت‌های سخت‌افزاری کامپیوتر استفاده کرده، وظیفه‌ی خاصی را به انجام برسانند. از این رو بسیار پیش می‌آید که جدل‌های لفظی بین کاربران ویندوز و لینوکس یا حتا مکتباتش اینجا و آنجا در می‌گیرد و غالباً هم نتیجه‌ای از آن عاید نمی‌شود. با این احتساب در این شماره و به دنبال مقدمه‌ی مختصری که به دنیای لینوکس و نرم‌افزارهای منبع‌باز داشتیم، به معرفی چند نرم‌افزار لینوکس می‌پردازیم که کم و بیش اکثر کاربران به آنها نیاز دارند.

قبل از هر چیز اجازه دهید به این نکته اشاره کنیم که بسیاری از مهمترین ابزارهای لینوکس، چهره یا واسط گرافیکی ندارند و بر روی خط فرمان (command line) اجرا می‌شوند. دوستی گرمی از من می‌پرسید که چگونه می‌شود پرونده (فایل)‌های صوتی را از یک قالب (فرمت) به قالب دیگر تبدیل کرد. برای نمونه می‌توان از ابزاری به نام lame استفاده کرد و با فرمان یک خطی زیر، به راحتی پرونده‌ی wav را به قالب mp3 تبدیل کرد.

lame input.wav output.mp3

این شما و این لینوکس: یک بار دیگر درباره‌ی لینوکس

داشت. باری، این از نگارش!

اما فایل‌های موسیقی و فیلم چه؟

آیا به راحتی می‌توان آنها را اجرا کرد و در خصوص ویرایش و تغییر آنها چه؟ فراموش نکنیم که آفیس رایگان روی ویندوز داده نمی‌شود و باید آن را جداگانه خریداری کرد. در مورد پرونده‌های صوتی و تصویری نیز هم ویندوز به تنهایی قابلیت حتا پخش تمامی قالب‌های آنها را ندارد و در خصوص ویرایش و تغییر آنها حتماً باید برنامه‌های اضافی خرید. در لینوکس اما این مشکل وجود ندارد و کافی است که شما مثلاً برنامه‌های vlc یا songbird را نصب کنید، (هر دو مجانی هستند) تا به راحتی تمامی پرونده‌های صوتی و تصویری خود را پخش کنید. اگر هم نیاز به ویرایش آنها دارید می‌توانید از قوی‌ترین برنامه‌های ویرایش صوتی و تصویری یعنی audacity و cinderella به طور رایگان استفاده کنید. songbird قابلیت این را نیز دارد که شما را در کار با آی-پاد (iPod) تان نیز کمک کند.

Banshee برنامه‌ی دیگری است که نه تنها قابلیت پخش پرونده‌های صوتی و تصویری را دارد بلکه با دستگاه‌های iPod و Zen نیز می‌تواند به کار رود و جایگزین iTunes شود.

کاربرانی را که حرفه‌ای‌تر هستند می‌توان به Blender برای کارهای سه‌بعدی ارجاع داد و یا Dia برای نمودارکشی در سطح Visio.

در این مقاله، اما هدف ورود به دنیای واسط خط فرمان (CLI = Command Line Interface) نیست، بلکه در اینجا فقط به برنامه‌هایی می‌پردازیم که شباهت بسیاری به محیط گرافیکی ویندوز و برنامه‌هایی دارند که تحت آن اجرا می‌شوند.

در مقام اول البته برنامه‌های نگارشی هستند. از مهمترین پروژه‌هایی که به طور فعال در حال گسترش و بهبود و پیشرفت است، پروژه‌ی OpenOffice.org یا OOO است. محصول این چالش OpenOffice نام دارد که برای اکثریت کاربران به راحتی می‌تواند جایگزین بسته‌ی دفتری مایکروسافت (MS-Office) شود. این دسته از برنامه‌ها شامل نگارشگری به نام writer (معادل Word)، صفحه‌ی گسترده‌ای به نام calc (معادل Excel)، و برنامه‌ی اسلایدسازی به نام impress (معادل Powerpoint) است. البته base نقش Access را ایفا می‌کند، مشابه Visio است و math معادل Equation Editor در بسته‌ی مایکروسافت است. به یمن آزاد بودن کد OOO می‌توان نسخه‌های آن را بر روی مک و بی.سی.سی و البته لینوکس اجرا کرد و هیچ غصه‌ی انتقال پرونده از یک ماشین به ماشین دیگر را نداشت.

اما سوالی که به ذهن می‌رسد این است که

(۱) آیا پرونده‌های آفیس مایکروسافت را می‌توان در OOO خواند؟

(۲) کار با OOO تا چه حد شبیه کار با محصول مایکروسافت است؟

در مورد سوال نخست باید گفت که جواب کوتاه آری



پیمان سلیمی

خبرهای ورزشی



نود بد است. ما خوبیم! تعلیق ۹۰، مقابله سازمان تربیت بدنی با مردم؟



را که دو هفته‌ی گذشته و هفته‌های قبل در مورد نظرسنجی‌های این برنامه وجود داشته اگر در کنار اظهارات و عکس‌العمل‌های تربیت بدنی بگذاریم، این که شاید اختلال در مخابرات برنامه‌ی ۹۰ سهوی بوده محال به نظر می‌رسد. مخالفت سازمان تربیت بدنی با برنامه‌ی ۹۰ در واقع مخالفت با نظر مردم بوده و خود را مقابل مردم قرار داده است. سازمانی که در برهه‌های مختلف ثابت کرد با رسانه‌های مردمی ارتباط خوبی ندارد و اعتقادی هم به جوابگویی به مردم ندارد این بار در صحنه‌ای علنی خود را مقابل قضاوت مردم و جامعه‌ی ورزش‌دوست قرار داد.

عادل فردوسی‌پور پس از اجرای ضعیف شب گذشته در برنامه‌ی ۹۰ در جواب به تحریم دوربین‌های این برنامه در ورزشگاه‌ها، تلفن همراه خود را خاموش و فعلا سکوت کرده است. آخرین حرفی که فردوسی‌پور در برنامه‌ی ۹۰ بر زبان راند این بود که اگر عمری باشد و در این برنامه حضور یابد، برنامه‌ی هفته‌ی آینده برگزار خواهد شد. به گفته‌ی یکی از نزدیکان فردوسی‌پور و عوامل برنامه‌ی ۹۰ در صورتی که سازمان تربیت بدنی در بازی‌های این هفته به دوربین این برنامه اجازه‌ی حضور در ورزشگاه‌ها را ندهد، بدون شک برنامه‌ی ۹۰ هفته‌ی آینده پخش نخواهد شد.

روزنامه‌های ورزشی کشور نیز ساکت نشستند و با درج مقاله‌های طنزآمیز از برنامه‌ی ۹۰ حمایت کردند. روزنامه‌های «توپ ورزشی» و «ابرار ورزشی» و روزنامه‌ی ۹۰ به سازمان تربیت بدنی انتقاد کردند. روزنامه‌ی ۹۰ در این باره نوشت: «فردوسی‌پور یک شومن است. فقط ما خوبیم که این همه کار می‌کنیم و این همه ورزشگاه نیمه‌کاره افتتاح می‌کنیم و این همه داریوش مصطفوی را می‌آوریم سر کار و این همه ال می‌کنیم و این همه بل می‌کنیم. اما آن قدر تواضع داریم که اینها را در برنامه‌ی ۹۰ جار نزنیم. ما عشقمان مردم است. در حالی که فردوسی‌پور عشق‌اش مردم نیست. ما چیزهایی توی خشت خام می‌بینیم که دیگران توی نیمه‌ی پر لیوان هم نمی‌توانند ببینند؛ مثلا این که فقط ما بلدیم از روی دانشی که داریم استنباط کنیم مجید نامجو مطلق توپ را لو داده و انداخته جلوی پای اسماعیل مطر... فقط ما خوبیم...»

خصوص این برنامه‌ها شد. البته تربیت بدنی اعلام نکرد قصد حذف برنامه‌ی ۹۰ را دارد بلکه خواستار تغییر در رویه‌ی کاری این برنامه شده است.

فدراسیون فوتبال طی ابلاغیه‌ی به کمیته‌هایش اعلام کرد که باید برای انجام گفت‌وگو با برنامه‌های تلویزیونی از فدراسیون مجوز بگیرند. حتما گفته می‌شود که هیچ یک از اعضای کمیته‌ی داوران بدون گرفتن مجوز حق حضور در برنامه‌های تلویزیونی به عنوان کارشناس را ندارند. علی کفاشیان افزود: متأسفانه برخی از برنامه‌های تلویزیونی بی‌طرف نیستند و سعی می‌کنند به هر نحوی کارهای انجام شده را تخریب کنند و این به ضرر یک نفر یا یک شخص نیست بلکه به ضرر کل ورزش و فوتبال کشور است.»

وی افزود: بعضی از برنامه‌های تلویزیونی کارشان شده دو به هم زنی و انجام کارهای خاله زنکی! خیلی از افراد هم برنامه‌های خاله زنکی را دوست دارند. اما این کار درستی نیست. چرا برنامه‌های تلویزیون ایرادهای فنی را نمی‌گیرند. مگر ما با گفتن ضعف داوری‌ها در پی اصلاح آنها نرفتیم. اما متأسفانه بعضی از برنامه‌های تلویزیونی شیوه‌ی غلطی را در پیش گرفته‌اند. این وقت رسانه را می‌گیرد و در هیچ جای دنیا مرسوم نیست. در کجا سراغ دارید که وقتی نهادی تصمیمی می‌گیرد، رسانه‌ای خواهد با گذاشتن نظرسنجی در آن تصمیم‌گیری دخالت کند.

اما در دیگر سوی میدان حمایت همه جانبه‌ی صداوسیما، پشتیبانی مردم از برنامه‌ی ۹۰ سبب شد این برنامه این هفته هم برگزار شود اما با رنگ و بوی خاصی که حاکی از اتفاقات پشت پرده بود. پس از اجرای برنامه‌ی ۹۰ شایعاتی در مورد دستور مقامات عالی‌رتبه‌ی کشوری به مخابرات در مورد قطع پیامک برنامه‌ی ۹۰ به وجود آمد.

سوال اصلی نظرسنجی مسابقه‌ی پیامک برنامه‌ی ۹۰ شب گذشته به طور ناگهانی و بدون هماهنگی، با دستور افرادی که «مقامات بالا» نامیده می‌شوند به یکباره تغییر کرد. سوال اصلی این بود که «به نظر شما در اتفاقات اخیر که پیرامون برنامه‌ی ۹۰ و سازمان تربیت بدنی رخ داد کدامیک مقصر هستند؟» پاسخ هم به این ترتیب بود گزینه‌ی اول: برنامه‌ی ۹۰

گزینه‌ی دوم: سازمان تربیت بدنی. اما ناگهان چند دقیقه پس از شروع برنامه از طریق گوشی به فردوسی‌پور اعلام می‌شود سوال برنامه تغییر کرده و سؤال برنامه پیش‌بینی نتیجه‌ی دیدار استقلال و صبا قم است.

کیومرث هاشمی بیشتر اعلام کرده بود نتیجه‌ی نظرسنجی‌ها در برنامه‌ی ۹۰ همیشه باب میل مجری بوده است. حساسیت‌هایی

هفته‌ی گذشته، عرصه‌ی رسانه‌های ورزشی، میدانی داغ بود. ایپنا آغاز ماجرا را چنین توضیح داده است:

«عادل فردوسی‌پور «که همیشه خود را مجری برنامه معرفی می‌کند» در برنامه‌ی پرتعداد ۹۰ دو هفته‌ی پیش با نماینده‌ی سازمان تربیت بدنی بحث را درباره‌ی مسایل مربوط به این سازمان باز کرد. جواب‌های قانع‌کننده‌ی فردوسی‌پور، نماینده‌ی سازمان تربیت بدنی را غافل‌گیر کرد. پیامدهای این برنامه حمایت تربیت بدنی از نماینده‌ی خود بود. کم کم ماجرا رنگ جدی به خود گرفت. در واقع تربیت بدنی که نتوانسته بود فرد موجهی را برای پاسخگویی به برنامه‌ی ۹۰ معرفی کند مجبور شد برای دفاع از عملکرد خود بیرون از صحنه‌ی علنی فعالیت‌هایی را علیه برنامه‌ی ۹۰ انجام دهد. از طرفی در هفته‌ی گذشته بسیاری از علاقه‌مندان برنامه‌ی ۹۰ در دفاع از این برنامه - که آن را متعلق به خود می‌دانند نه به عادل فردوسی‌پور و صداوسیما - اعلام کردند در برنامه‌ی بعدی رکورد ارسال پیامک (اس.ام.اس) به این برنامه را خواهند شکست و از مرز ۳ میلیون عبور خواهند کرد. اما ماجرا به این سادگی‌ها نبود. سازمان تربیت بدنی که احساس خطر کرده بود و در صورت موفقیت برنامه‌ی ۹۰ و محق شدن این برنامه در بین مردم جایگاه خود را متزلزل می‌دید، تصمیم گرفت جلسه‌ای را با مسئولان صداوسیما برگزار کند. در این جلسه‌ی محرمانه تمامی اتفاق‌های رخ داده مطرح شد و مستندات نیز علیه برنامه‌ی ۹۰ ارائه شد. هدف تربیت بدنی تعلیق برنامه‌ی ۹۰ و یا تغییر مجری آن بود. اما صداوسیما نیز در حمایت از برنامه و مجری خود دلایل موجهی را مطرح کرد.»

اما تربیت بدنی به این جلسه اکتفا نکرد. کیومرث هاشمی در گفت‌وگویی با یکی از خبرگزاری‌های رسمی خطاب به عزت‌الله ضرغامی، رئیس سازمان تربیت بدنی، درباره‌ی مخدوش شدن چهره‌ی ورزشی و به تبع آن نظام، توسط برخی برنامه‌های تلویزیونی (که اشاره‌ی آن به برنامه‌ی ۹۰ بود) خواستار بررسی کارشناسی در

غذای عالی ایتالیایی در محلی زیبا و مجلل با محیطی صمیمی

ARIA
ristorante • pasta • grill

C01-700, rue de la Gauchetière, Montreal, Québec, H3B 4L1
Metro: Square-Victoria Tel: (514) 871-3846



می‌برد که در آن وجوه همه‌جانبه‌ی اصول روانکاوانه در کنار علاقه به خلق معانی اخلاق‌گرایانه و اجتماعی به چشم می‌خورد. بی‌رنگ (Plot) فیلم که بر محور برملا شدن ترور شخصیتی سیاسی در لندن است تنها سطحی از داستان را در اختیار تماشاگر می‌گذارد که عناصری سرگرم‌کننده را در بر دارد در حالی که با تعمق در ساختار زیبایی‌شناسانه‌ی فیلم می‌توان پی به لایه‌های پنهان و زیرین اثر بُرد. جالب است اگر بدانیم که نسخه‌ی اول این فیلم به شکل سیاه و سفید در ۱۹۳۴ توسط خود هیچکاک ساخته می‌شود. در بازسازی دوم استفاده از رنگ و سیستم Vista Vision کیفیتی بصری به فیلم می‌بخشد که در آن تدوین فیلم در سکناس ترور شخصیت سیاسی در آلبرت هال لندن برجسته‌تر به نظر می‌رسد. در این سکناس که خالق موسیقی فیلم برنارد هرمن خود نیز در فیلم رهبری ارکستر را به عهده دارد، هیچکاک با تأکید بر اصول تدوین موازی و تأثیر بصری آن روی سیستم Vista Vision قادر به رسیدن لحظه‌ای است که در آن فضای دلهره‌آور صحنه ضرب‌آهنگ فیلم را شکل می‌بخشد. همچنین باید در نظر داشت که در مقایسه با نسخه‌ی ۱۹۳۴ در این بازسازی، شخصیت اصلی زن داستان به بازیگری دوریس دی توانایی بیشتری در اعمال نفوذ در حادثه‌ها و هدایت روایی داستان دارد. به این معنا که او نه تنها نمادی از زنی است که در عرصه‌ی خانوادگی حضوری فعال دارد بلکه در لحظه‌های حساس فیلم دخالت بجای او خط سیر داستانی را کاملاً در جهت مطلوب تغییر می‌دهد.

سالهای دهه‌ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای هیچکاک سالهایی است که در آن سبک بصری او به شکلی خلاقانه به اوج خویش می‌رسد. اگر چه سالهای بعد سالهای افول او به عنوان کارگردان صاحب سبک محسوب می‌شود اما ثمره‌ی دهه‌ها تلاش قبل از آن مجموعه‌ی بی‌نظیری از شاهکارهای سینمایی است که برای تحلیل هر یک از آنها می‌توان به تنهایی کتابی را اختصاص داد. «مردی که زیاد می‌دانست» در این کارنامه در جایی قرار می‌گیرد که می‌توان در آن علاقه‌های کارگردان به وسوسه‌های ذهنی‌اش پیرامون مفاهیمی چون مقاومت خانواده در مقابل ثبات ناپایدار جهان سیاسی، مبارزه‌ی جنس زن به طور ناخودآگاهانه برای دست یافتن به هویت فردی، و کاوش در اعماق روح بشری به قصد شناختن عناصر روانکاوانه‌ی ترسها و تمایلات خودپروانگر را جستجو کرد.

شکستن اصول قراردادی یک نوع (Genre) سینمایی چیزی نیست که بتوان آن را در سینمای هیچکاک به عنوان الگو و قاعده‌ی نهایی پذیرفت. ولی بی‌شک علاقه‌ی هیچکاک به استفاده‌ی شدید از طنز و به هجو کشیدن نوع سینمایی خبر از تمایلات درونی او به عنوان کارگردانی می‌دهد که حتا درون نوع سینمایی به دنبال خلق دنیای شخصی خویش است.

این شنبه ۱۷ ژانویه تلویزیون سی.بی.سی بار دیگر فیلمی از هیچکاک را به نمایش گذاشت. حضور مداوم فیلم‌های هیچکاک در جشنواره‌ها، لا به لای برنامه‌های تلویزیونی، و در کلاس‌های دانشگاهی نشانه‌ی آن است که اگر چه از مرگ استاد ۲۹ سال می‌گذرد اما تأثیر ماندگار و پابرجای او را می‌توان هنوز به نبوغ بی‌نظیر او تعبیر کرد که همچنان موضوع نقد و بررسی در میان روشنفکران و مردم عادی است.

تلویزیون سی.بی.سی با به نمایش گذاشتن فیلم «مردی که زیاد می‌دانست» (۱۹۵۶) به بازیگری دوریس دی (Doris Day) و جیمز استوارت (James Stewart) تماشاگران را باری دیگر به اعماق جهان آشوبناک و روان‌پیشانه‌ی شخصیت‌های هیچکاک کشانید. جهانی که در آن موضوع پژوهش کارگردان تنها اندیشه‌ی ضبط لحظه‌های دلهره‌آور نیست بلکه دغدغه‌های ذهنی او راه به آفرینش سبکی بصری

هیچکاک کارگردان جاودانه‌ی سینما

■ مراد صادقی

جدول سودوکو

توضیح: خانه‌های جدول روبرو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

این نوع جدول عدد نخستین بار به دست معماری امریکایی به نام هاوارد گارنس (Howard Garns) در سال ۱۹۷۹ پدید آمد و در سال ۱۹۸۶ در ژاپن رایج شد. ژاپنی‌ها نام آن را «سودوکو» (Sudoku) گذاشتند به معنای «عدد تک» که اشاره‌ای است به نحوه‌ی پر کردن آن. از سال ۲۰۰۵ سودوکو دوباره به امریکای شمالی و دیگر کشورها صادر شد.

	6			9	5
			4		
4		7			6 1
7			6	3	
		9 3		5 6	
		1		7	9
5 7				4	3
			2		
1	6				2

مردم به صحراها می‌رفتند و می‌گوزیدند. در کوه‌های شهر نگاهی به این ور و آن ور می‌انداختند و پیفی می‌دادند. حتا مهمانی‌های زیرزمینی می‌گرفتند و لوبیا می‌خوردند و «گروپ گوز» راه می‌انداختند. بعد از مدتی، دیگر کسی آن ماجرای منع سواد و مالیات را به خاطر نیاورد و همگان سعی کردند از این آخرین حق بدیهی خوشان دفاع کنند.

و در همین احوال پادشاه و وزیرش در قصر قهقهه سر می‌دادند که چه زیرکانه مردمان را در بخارات اسیدی خودشان غرق کرده و همگان را گوزو کرده‌اند.

* این حکایت از وبلاگ "زن سان" گرفته و کمی ویرایش شده است

از این شماره، تصمیم گرفته‌ایم که صفحه‌ی تازه‌ای به «هفته» اضافه کنیم با عنوان صفحه‌ی سرگرمی که در آن لطیفه و حکایت و انواع جدول و مانند آن خواهد آمد. هدف تنها و تنها نشان دادن لبخندی بر لبی یا پر کردن وقت خالی و سرگرم کردن خوانندگان است. اگر مطلب جالبی دارید می‌توانید برای این صفحه بفرستید.

م - ق

وزیری که گوزیدن را ممنوع کرد

در گذشته‌های دور پادشاهی بیگانه بر سرزمینی مسلط شد. او بدخواه و در عین حال زیرک بود. وزیری داشت از خودش بسی بدخواه‌تر و زیرک‌تر. به او امر کرد که راهی بیاب تا بر روح و جان این مردم مسلط شوم بدون آن که بفهمند و اعتراضی نکنند. وزیر فکری کرد و طوماری نوشت و به چارچیان داد تا در سراسر شهرها و دیه‌ها بخوانند. در قانون جدید سوادآموزی غیرقانونی اعلام شد و مالیات‌ها به سه برابر افزایش یافت. ارزش جان مردمان به اندازه‌ی چهارپایان کشور همسایه اعلام شد. هر گونه اعتراض و مخالفت با این قانون مجازات مرگ داشت و در نهایت طبق این قانون گوزیدن هم ممنوع اعلام شد.

پادشاه گفت: ای وزیر این همه فشار آنان را به شورش و خواهد داشت! وزیر گفت: نگران نباشید اعلیحضرت. به بند گوزیدن دقت نفرمودید. همان سوپاپ اطمینانی است که انرژی اعتراضشان را خالی کنند.

و چنین شد که وزیر گفت. مردم لب به اعتراض گشودند که این ظلمی آشکار است. این طبیعی است که پادشاه بخواهد جلو باسواد شدن آنان را بگیرد. همچنین افزایش مالیات همیشه مطلوب شاهان بوده است. اما دیگر منع گوزیدن خیلی زور است. و تازه مگر پادشاه می‌تواند در تمام مستراح‌های این سرزمین نگهبان بگمارد. آنان که باسوادتر بودند داد سخن دادند که «تازه، جانم! خالی نمودن بادمعه برای سلامت مفید است و هیچ قبحی در آن نیست. و اینان متحجرانی بیش نیستند که سرشان را در تنبان خلاق فرو می‌کنند.» با کلی کیف به خاطر این تفسیر علمی و کلمه‌ی «متحجر» سر تکان می‌دادند و خودشان را «روشنفکر» می‌خواندند. گفتند «تازه، مگر خود شاه نمی‌گوزد؟!» چوک‌های بسیاری ساختند در مورد شاه که از فرط نگوزیدن ترکیده، یا برای کنترل معده‌اش چوب پنبه به ماتحتش فرو کرده است. اینها را برای هم به شکل پیامک (اس.ام.اس) می‌فرستادند و کلی می‌خندیدند.

نگهبانان حکومت در سراسر سرزمین پخش شدند تا اجرای قانون را تضمین کنند. هر از چند گاهی بیخبر به مستراح‌ها یورش می‌بردند و افراد گوزو را دستگیر می‌کردند و به «مُنکرات» می‌بردند. اما مردم همچنان به گوزیدن در خفا ادامه می‌دادند و این صدهای بویناک معده‌شان را اعتراضی عظیم به حکومت می‌دانستند.

شیخ صالح سیبویه

دفتر ثبت و انجام مراسم ازدواج شرعی و رسمی (CIVIL)
و امور مربوط به طلاق
تصدیق امضاء تأیید اسناد و مدارک و ترجمه
تأیید فرم گذرنامه کانادایی

Tel: (514) 366-1509

(514) 364-5075

210 ST-Jacques Ouest, Lachine

دفتر حقوقی علی غلامپور

وکیل دادگستری، بویژه در زمینه های

حقوق خانواده، دعاوی مالی، حقوق پزشکی
و مهاجرت از طریق سرمایه گذاری
در خدمت هموطنان گرامی است

Tel: (514) 395-0522

Fax: (514) 395-0524

180 Boul. Ren-Leveque Est, Bureau 109, ontreal, QC H2X 1N6

ligholampour@lawyer.com

نیازمندی‌ها

فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

۴۸۵-۳۳۳۴	یو.ان سلاتیت
۹۲۷-۲۹۸۳	NMA Sat Iranian
فرش	
۳۸۵-۱۸ ۱۸	تهران
۲۷۷-۸۰ ۰۰	قصرفرش
۲۷۱-۷۷۵۰	Raymond & Hell
فروشگاه ها	
۶۲۰-۵۵ ۵۱	اخوان
۳۸۲-۸۶ ۰۶	ادونیس
۴۵۰-۹۲۳-۳۸۶۸	افغانی
۹۲۳-۸۵ ۶۸	الشلال
۴۸۹-۳۲ ۲۶	راکی مونتانا
۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰	کوه نور
۳۶۹-۳۴ ۷۴	سن لوران
۴۸۶-۴۱۱۳	یک دلاری
۴۲۱-۳۴۷۸	مارشه سیروس
۸۶۱-۳۴ ۷۴	مواد دریایی کاسپین
۹۳۲-۲۰۹۹	نور
۴۵۰-۹۰۴-۳۹۰۰	وطن
۸۴۵-۰۱ ۸۶	ویاند سن لورن
۳۶۵-۲۲۲۱	هانوباک
کامپیوتر	
۹۱۸-۴۷ ۳۶	انتر کام
۴۸۵-۱۰ ۰۰	انکس مدیا
۲۹۴-۸۲۴۲	آموزش کامپیوتر
۶۲۶-۷۵۰۶	برنامه نویسی - وب
۲۵۸-۸۱۸۶	بیژن جلالی
۹۷۵-۲۱۱۱	پیمان سلیمی-طراحی وب
گل	
۹۸۳-۱۷ ۲۶	لینک فلور-وحدید
مبلمان	
۳۸۹-۷۲۹۶	SASA Mobilier
مجالس - جشن ها - سفره عقد	
۶۸۳-۸۵۵۶	هدیه
مراکز مذهبی	
۸۴۹-۰۷ ۵۳	انجمن بهایی
۷۷۷-۶۴۲۱	کلیسای شاهراه مقدس
۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی- کشیش عادل
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان
مشاور املاک	
۴۲۱-۷۸ ۸۸	محمد اجزا چی
۲۹۶-۵۵۰۷	رویا اصفهانی
۹۷۹-۸۲۰۰	یعقوب اکبری
۴۲۶-۳۵ ۴۵	افسانه انصاری
۸۹۸-۱۵۹۰	همایون انصاری
۵۷۶-۴۱۵۵	یاس انصاری
۷۳۱-۷۵۷۵	فرخنده بدایق
۴۹۷-۲۵۶۷	فریبا جانفزا
۸۱۴-۱۸۴۴	میترا چنگیزی
۹۹۸-۹۱۴۷	نعمیه چنگیزی
۴۲۶-۹۵ ۹۵	ژاله حافظی

۸۴۹-۵۶ ۶۱	کی بی ترانسپورت
خشک شویی و خیاطی	
۹۳۴-۵۶۰۰	Excel plus
دندان پزشکی	
۹۳۳-۳۳۳۷	مهری حیدری
۹۳۳-۳۳ ۳۷	شهرزاد رضا نیا
۶۸۴-۰۱۳۵	معصومه دولتشاهی
۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی
۷۳۱-۱۴ ۴۳	شریف نائینی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی شفیعی
۶۹۵-۸۶ ۴۱	رامین میر موجی
۶۸۵-۶۲ ۲۲	علی مهیو
دندان سازی	
۷۳۷-۶۳۶۳	افخم هادی
رسانه های گروهی	
۴۸۳-۲۰ ۷۰	اعتبار
۸۴۸-۱۷ ۷۱	بازار
۵۷۵-۸۴ ۵۱	پوشه
۹۹۶-۹۶۹۲	پیوند
۳۸۵-۴۷ ۲۶	تلویزیون
۷۸۷-۸۸۴۸	رادیو چکاوک
۷۸۷-۸۸۴۸	چکاوک هفته
رستوران- پیتزا - کیتترینگ	
۸۳۱-۱۴۸۴	بانو
۶۷۰-۸۳۰۰	پارس
۴۸۹-۸۴۸۴	پریشیا
۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲	چوپان کباب
۳۴۳-۰۳ ۴۳	دابل پیتزا
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۴۸۵-۲۹۲۹	شیراز
۶۷۷-۴۷۲۶	کیتترینگ ظریف
۲۷۰-۸۴ ۳۷	فاروس
۴۸۳-۶۹۹۰	کارون
۹۳۳-۰۹ ۳۳	کباب سرا
۴۸۳-۰۰۰۰	کپلی
۴۸۴-۸۰۷۲	کلبه عمو جمال
۸۴۹-۱۳ ۳۵	گورمه کرک
۸۰۷-۸۷۴۷	گیلان
۳۶۳-۴۴ ۴۴	کی ملو
۸۴۶-۱۹۴۷	نیلوفر
۳۱۵-۷۹۹۴	۴۲۰ Cafe
۴۸۲-۰۷۷۷	Andy's restaurant
روانشناس- روان کاو	
۲۲۳-۶۵۴۲	حمیرا قاسم نژاد
۸۴۹-۷۳ ۶۸	مهناز کاظمی
فتوکپی - عکاسی ، ویدیو و ماهواره	
۴۰۸۶-۴۹۱(۴۵۰)	آدیو ویدئو کبک
۲۲۳-۳۳۳۶	تبدیل سیستم های ویدئویی
۴۸۸-۵۳۳۳	فتوکپی ان دی جی
۸۴۶-۰۲ ۲۱	فتو شاپ
۴۸۸-۷۱۲۱	رز
۹۶۲-۷۳۹۲	رضا بلادی

۹۶۲-۳۵۶۵	مدرسه فردوسی
۶۲۶-۵۵ ۲۰	مدرسه وست آیلند
۹۵۲-۲۱ ۶۵	مدرسه دهخدا
۷۲۱-۰۱۲۰	مدرسه گاليله
آموزش (راندنگی)	
۹۸۹-۲۱ ۲۱	امکا
۹۳۷-۲۸ ۸۸	ناسیونال
۸۰۷-۲۷ ۸۳	Best
۵۶۸-۳۸۴۸	cool driving
بیمه و سرمایه گذاری	
۸۸۵-۴۳۶۸	هادی اسلامی وطن
۴۸۳-۲۰۷۰ EXT: ۲۲۵	گروه مالی انصاری
۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد
۹۲۴-۸۳۶۸	سمیرا مظفری
۹۲۷-۳۵۰۴	سهراب مهماندوست
۹۳۱-۴۲۴۲ EXT: ۲۲۹۴	مریم سلیمانی
پزشکی	
۴۸۱-۰۶ ۷۱	فرهت- عینک سازی
۴۶۶-۱۸ ۸۰	میرا - کلینیک
پزشکی جایگزین	
۹۳۱-۸۲۷۴	پروین زرساو- همیوپت
۹۷۹-۲۱۲۰	هیپنوتیزم- علی سلیمی
۹۹۴-۳۲۰۱	هیپنوتیزم- دکتر ملک
۲۲۵-۳۸۸۳	انرژی درمانی
تابلو سازی	
۹۳۱-۷۷ ۷۹	پلکسی
۹۳۱-۹۸۳۴	حمید
ترجمه	
۲۴۶-۸۴ ۸۶	محمود ایزدی
۶۲۴-۵۶ ۰۹	شهریار بخشی
۷۳۰-۷۴۶۲	آرزو تحویل داری یکتا
۸۸۹-۸۷۶۵	نغمه سروران
۵۷۵-۷۰۸۰	رضا نوشاد جمال
دارو خانه	
۲۸۸-۴۸ ۶۴	لوئیز داداش زاده
دکوراسیون منزل و محل کار	
۷۸۴-۰۲۵۷	میترا معینی - طراحی داخلی
۶۸۵-۹۹۷۹	A & B (پرده و ...)
دعوتنامه رسمی	
۶۲۴-۵۶ ۰۹	شهریار بخشی
جواهری	
۹۳۹-۲۷۰۰	نیک آذین
حسابداری	
۷۳۵-۰۴۵۲	حسن انصاری
۴۸۶-۵۵ ۴۷	همایون خاتمی
۴۸۷-۱۵ ۶۶	شکیب نیا
۸۰۶-۰۰ ۶۰	عباس شفیعی
۴۹۲-۷۰ ۰۷	مجتبی میر عابدینی
۳۶۲-۰۳ ۸۲	ریاض حق
حمل و نقل	
۳۸۴-۵۶ ۳۲	پارس ماریتایم

اتومبیل (اجاره و فروش)	
۹۹۳-۷۰۸۵	اتو زرین
۴۸۲-۴۵ ۰۰	الگانس
۴۸۲-۴۵۰۰	لیزینگ کمپانی
۹۹۰-۲۵۰۰	Auto Highlander
اتومبیل (تعمیرگاه)	
۵۷۸-۲۲۱۱	اتو راید
۴۸۴-۴۴ ۸۱	اطلس
۷۷۷-۶۴۲۱	خرید ماشین اوراقی
۹۲۵-۲۸۲۹	لوازم یدکی آلفا
آرایشگاه-زیبایی- اسپا	
۵۷۷-۷۴۰۲	آموزش آرایش
۵۵۱-۰۰ ۸۸	اکسپرت
۴۵۰-۶۷۸-۴۹۵۳	پریسا
۶۲۶-۸۶۶۶	خانه زیبایی فریده
۸۴۰-۰۹۰۹	خدمات زیبایی رشیدیان
۵۲۲-۵۲۵۲	زارا
۴۸۱-۶۷ ۶۵	زهره
۹۳۴-۳۳۷۴	رویا
۳۳۳-۷۳۰۹	سیروس
۴۸۹-۶۹ ۰۱	شهرزاد
۹۷۵-۳۰۰۲	منیژه استتیک
۸۴۰-۰۹۰۹	مون رویال
۴۶۵-۷۱۳۴	Mira
۷۷۲-۵۷۸۷	Esthemedica
ارز	
۸۴۸-۵۹ ۹۹	ام با ام
۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک
۸۴۶-۰۲۲۱	پنج ستاره
۹۸۹-۲۲ ۲۹	خضر
۲۲۳-۶۴۰۸	شریف
۴۸۵-۶۰ ۰۰	مانی وایز
ازدواج و طلاق	
۳۶۶-۱۵۰۹	شیخ صالح سبویه
آژانس های مسافرتی	
۲۲۲-۰۴۴۸	امیر- اسکای لان
۲۷۰-۴۷ ۲۶	افروالمپیک
۹۳۸ ۷۲ ۷۷	پارس تورز
۳۹۷-۹۲۲۱ EXT: ۲۴۳	نسرین پارسا
۸۴۲-۸۰ ۰۰ EXT: ۲۹۶	فرناز معتمدی
۳۴۴-۸۸۸۸	گام
۴۲۱-۰۲۴۴	Amro Travel
الکترونیکی (تعمیرات)	
۴۲۶-۴۵ ۵۲	الکتروتک
۴۲۸-۰۶ ۵۰	امید
۵۲۷-۸۸ ۱۴	سولوسیون پلاس
آموزش	
۷۳۹-۳۰۱۰	انستیتو تکنیک
۳۶۸-۹۰۱۲	پروین عبائی- فارسی
۹۳۷-۱۷۷۷	کالچ ابو علی سینا
۸۶۸-۶۲۶۲	کانادا کالچ

Journal HafteH

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal

A weekly Newsletter for the Iranian Community in Montreal

24 Jan. 2009, numéro33 / 24 Jan, 2009, Issue No.33

Table des matières 33

Bush est allé et Obama est venu. Le grand changement va-t-il avoir lieu? –L'Éditeur
Les nouvelles du Québec et du Canada
Les nouvelles des iraniens à Montréal
Le Rêve d'un homme ridicule de Dostoyevsky- Ehsan Daneshyar
Sous le prétexte de la présentation de Barak Obama- Reza Namdari
Demain... - Un poème de Reza Motebassem
Qui est Michael Ignatieff?- Ali Sharifian
Une partie de la Révolution française- Dr. Shahdad Heidari et Solmaz ShakeriFard
La page littéraire – L'Étrange histoire de Benjamin Button- Mohammad JabariHagh
Le poète montréalais et son poème- Mahdi Keshtkar
Comment gérer notre cerveau? Huitième partie- Farahnaz Heidarpour
Les étourdissements – Dr. Mohammad Reza Malek
Maison de thé iranien- Ehsan Daneshyar
Une autre fois à propos de Linux- Mostafa ModirRousta
La suspension de Navad- Peyman Salimi
Hitchcock le grand réalisateur éternel de l'histoire du cinéma- Morad Sadeghi
La page de divertissement- Mahtab Ghanbari
Petites annonces
Table des matières en anglais et en français

Index issue 33

Bush is gone, Obamah's here: Change or more of the same?
Quebec and Canada News
What's happening in our community?
The Dream of a Ridiculous Man – Ehsan Daneshyar
Barack Obama, hope for change? – A brief note Reza Namdari
Tomorrow ..., a poem by Reza Motebassem
Reopening of the Parliament and a new player! Who is Michael Ignatieff? – Ali Sharifian
French Revolution, Dr. Shahdad Heidari, 2nd part – Solmaz Shakerifard
Literary page, The Curious Case of Benjamin Button - Mohammad Jabbari-Hagh
A Montreal Poet and one of his poems – Mehdi Keshtkar
How to manage our brain, 8th part – Farnaz Heidarpour
Words of wisdom – Dr. Mohammad Reza Malek
A historical look into Iranian traditional tea houses - Ehsan Daneshyar
Another word on Linux – Mostafa Modirroosta
Sports: How a cancelled TV show created an uproar in the media - Payman Salimi
Alfred Hitchcock, master of suspense – Morad Sadeghi
To Put a Smile on Your Face – Mahtab Ghanbari

Publication/Publisher:

HafteH Journal

Rédacteur, -trice/Editors: **Leili Khaghani et /and Yusef Amiri**

Rédacteur en chef/Editor in chief: **Khosro Shemiranie**

Désigner/Designer: **BehGraphics.com**

Art-directeur/Artistic director: **Behrouz Zamani**

Photo : **S.A. Reza Beladi**

Webmaster: **Payman Salimi**

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro

Special thanks to those who contributed to this issue:

Mrs. Hamideh Ghiyasvand, Mrs. Farahnaz Heidarpour, Mrs. Solmaz Shakerifard, Mr. Ehsan Daneshyar, Mr. Mohammad Jabbari-Hagh, Mr. Pasha Javadi, Mr. Mehdi Keshtkar, Mr. Mohammadreza Malek, Mr. Mostafa Modirrousta, Mr. Reza Namdari, Mr. Morad Sadeghi, Mr. Payman Salimi, and Mr. Ali Sharifian

6960 Sherbrooke W. #15 Montreal Qc H4B 1R2 (514) 787-8848

journal.hafteH@gmail.com

www.hafteH.info

ISSN 1918-4379 HafteH

Convention du service Poste-Publications

NO 41740020

Retourner les Articles non distribuables à ma société :

6960 Sherbrooke O Suite 15

Montréal QC, H4B 1R2

۶۹۶-۷۷۰۰	فهیمة خاتمی
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی
۳۶۴-۳۳ ۱۵	سپهر صفائی
۴۵۸-۱۲۰۶	حسین فلسفی
۴۶۶-۶۰۰۰	پرویز قائمی
۴۲۶-۴۵ ۴۵	ایرج قانعی
۸۸۰ - ۷۱۷۱	سحر کریمیان
۸۰۲-۲۳۴۹	سوسن گوئل
۴۲۶-۴۵۴۵	هلن گیور گیس
۸۱۶-۴۰۸۰	نینوس گیورگیزنیا
۶۹۶-۷۷۰۰	مهران مشکین
۴۲۶-۴۵ ۴۵	رضا نژاد
۵۷۱-۶۵۹۲	مسعود نصر
۶۰۸-۳۲۶۸	داود وثوقیان
۸۲۷-۶۳ ۶۴	فیروز همتیان
۶۸۵-۴۷۷۷	MTL
نان و شیرینی	
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۹۸۹-۷۵۱۴	نخودچی
نو سازی و تعمیرات ساختمان	
۸۳۵-۶۲۴۳	تی.ام.ان
۵۷۳-۸۱۱۸	ایرکا- فرهاد زرعی
۹۹۶-۲۷۲۵	انواع سنگ
۲۹۸-۱۳۹۳	خدمات ساختمانی احمد
۴۷۶-۴۷۲۶	تعمیرات ساختمانی رضا
۸۱۵-۶۲۳۴	خرید ضایعات - حامد
نظافت منزل و محل کار	
۶۵۵-۷۶۷۲	آر-اند-اف
موسیقی : ساز- سی.دی-ویدئو	
۴۶۶-۱۳۲۷	آموزش موسیقی-داوری
۴۸۵-۰۷۳۹	آموزش دف و آواز
۶۸۳-۴۴۵۷	آموزش موسیقی-سرایی
۴۸۴-۸۷۴۸	آموزش پیانو-قرچه داغی
۵۲۶-۱۰۴۷	آموزش پیانو-متین
۲۲۳-۳۳ ۳۶	تپش دیجیتال
۹۰۹-۶۲۶۴	پیانو
مشاور مهاجرت	
۷۴۴-۰۸ ۲۵	فیوره بلانژه
۶۵۶-۸۱۷۸	ماریا کتنه
۶۵۱-۴۷۲۶	علی مختاری
وکیل - مهاجرت	
۲۸۸-۴۰ ۵۰	گلشاد درودی
۳۷۷-۰۴۹۰	روشا عشریه
۸۸۶-۳۸۲۶	شوکا عشریه
۳۹۵-۰۵ ۲۲	علی غلامپور
۶۷۶-۸۱۷۸	امیر کفشاران
۳۹۲-۰۰ ۵۰	رضا ناظم
۹۵۴-۹۹۹۸	ونسان والایی
وام مسکن	
۶۰۶-۵۶۲۶	بهرز آقاباخانی
وب سایت و شبکه	
۸۶۲-۶۶۴۲	Dream Media

Du Plateau Perse au Plateau Mont- Royal



مرکز فرهنگی کتاب ایران

نمایشگاه هنرهای تجسمی، کتاب فروشی، کتابخانه

فضایی آرام و دلپذیر برای اندیشه کردن، سیری در عالم فرهنگ، هنر و کتاب
کارگاه‌های هنری، تاریخ، نیمه کنسرت‌ها، سخنرانی‌ها و نمایش فیلم

هر آنچه که می‌خواهیم در باب آسیای جنوب غربی بدانیم ...

MEKIC

یکی از دیدنی‌های مونترال

آدیو ویدئو کبک



◀ سیستم های صوتی اتومبیل



◀ انواع لوازم خانگی برقی



◀ انواع لوازم خانگی



◀ انواع لوازم صوتی ،
تصویری و الکترونیکی



◀ انواع دوربین های
عکاسی و فیلمبرداری



با امکانات نصب و راه اندازی
در محل زندگی یا کار شما

Tel: (450) 691-8801

Fax: (450) 691-4086

46, boul. St-Jean-Baptiste

Châteauguay, QC J6K 3A4



MAX DGM SONY YAMAHA Panasonic SAMSUNG Paradigm

New Townhouse Development



Les Cours des Sources

Boul. Des Sources near Lakeshore Road

30 - 40 Boul des Sources, Pointe Claire

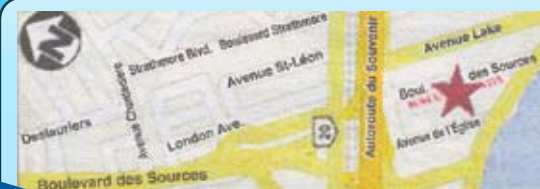
Starting at

\$309,000

plus Taxes
Preconstruction Price

پروژه خانه های نوساز در نزدیکی ساحل سن لوران

- ◀ زیربنای تقریبی 235 متر مربع
- ◀ گاراژ بزرگ برای دو اتومبیل
- ◀ بالکن شخصی
- ◀ باغ زیبا با درختان صد ساله
- ◀ پارک چوبی
- ◀ آشپزخانه و دستشویی با سرامیک عالی
- ◀ تهویه مطبوع مرکزی
- ◀ عایق بندی عالی صدا
- ◀ پنجره های با کیفیت بالا
- ◀ و بسیاری امکانات دیگر



For Appointment :

Reza Nejad

Affiliated Real Estate Agent

(514) 865-7146

Michael D'Arrisso

Affiliated Real Estate Agent

(514) 867-0868

برای بازدید از محل و اطلاعات بیشتر با رضا نژاد و مایکل داریسو تماس بگیرید



پایه جشن های ملی را پاس داریم

انجمن دوستداران زرتشت

انجمن ادبی مونترال
با همیاری :
و کانون فرهنگی چکاوک

جشن سده

جشن آغاز چله کوچک
جشن پیدایش آتش

چیست جشن سده آتش افروخته ای!

که دل سوخته از مهر بدو شاد بود

زمان: شنبه ۳۱ ژانویه ۲۰۰۹ ساعت ۶ پس از نیمه روز

700 de la Gauchetiere
Restaurant Arya (C. 35)
جا: Metro Square Victoria
همراه با دی جی

ورودیه: ۲۵ دلار با شام

دانشجویان و دانش آموزان (با ارائه کارت) ۲۰ دلار
زیر هفت سال مهمن انجمن خواهند بود
بلیط در محل اجرا + ۵ دلار

۳۰۱۲ - ۳۲۵ (۵۱۴)

تلفن آگاهی: ۷۱۵۲ - ۴۷۲ (۴۵۰)

پارکینگ عمومی رایگان

(خیابان ویژه نرسیده به خیابان یونیورسیتی)

مهر ورزیده ورودیه خود را از پیش خریداری نمائید

